

## سومین روز سومین ماه<sup>۱</sup>

### شمس‌الدین رحمانی

سوم خرداد سال ۱۳۶۱ روز آزادسازی خرمشهر، یکی از روزهای فوق‌العاده مهم در تاریخ جنگ و انقلاب اسلامی ایران است و درباره آن مطالب و مسائل مختلفی مطرح و اهمیت آن تذکر داده شده است. اما از جهت ارتباط این روز با مطامع و مقاصد صهیونیست‌ها چه در منطقه خاورمیانه و چه در سطح جهانی، هنوز مطالب فراوانی هست که باید به آن‌ها هم توجه نمود تا ابعاد عظیم این واقعه، روشن شود. این که امام عظیم‌الشأن فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد» نشان از عظمتی دارد که امام برای این واقعه قائل بوده است و این تعبیر را برای موارد دیگر به کار نبرد. نگارنده این سطور با بضاعت اندک خود، برخی مواردی را که گمان می‌کند اهمیت دارد و گفته نشده در این مجموعه گردآوری کرده است. به عنوان یک زمینه و مدخل، توجه به این معنا ضروری است که وقایع فلسطین و صهیونیسم در طول یکصد و پنجاه سال اخیر، به طور مداوم با رخدادهای ایران و دنیای

۱. پیش‌درآمدی از این موضوع در شماره ۱۹ از همین فصلنامه با عنوان «پروژه هشتاد» منتشر شده است.





اسلام مرتبط، متصل و همراه بوده است؛ در زیر به برخی از آن‌ها که واضح‌تر و مشخص‌تر است اشاره می‌شود.

## تقارن‌ها

۱. اواخر قرن نوزدهم میلادی، هم مقدمات مشروطیت غیرمشروع در ایران فراهم می‌شد؛ هم نفوذ اروپایی‌ها در سراسر اجزاء دولت عثمانی گسترش می‌یافت و هم با تبلیغ و ساماندهی مارکسیسم، مقدمات اضمحلال روسیه تزاری فراهم می‌گشت. گفتنی است که در قرن نوزدهم سراسر اروپا در قبضه اقتصادی و سیاسی خانواده روچیلد و یهودی‌ها قرار گرفته بود؛ ولی هنوز روسیه و عثمانی مقاومت می‌کردند - که هر دو با یهودی‌ها و فراماسون‌ها مخالف بودند - و ایران هم با سنت‌های اسلامی و شیعی، هنوز نمی‌توانست نقش قربانی را برای استعمار یهودی بازی کند.

۲. در سال ۱۹۰۵، هم در ایران و عثمانی انقلاب مشروطه غیرمشروع به انجام رسید و هم در مسکوی روسیه یک شورش عظیم روی داد که مقدمه انقلاب اکتبر شد. در هر سه مورد نقش اصلی یهودی‌ها و فراماسون‌ها، کاملاً بارز بود.

۳. جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) گویی سازمان داده شد تا موانع کار یهود و فراماسون‌ها برطرف شود و آن‌ها در پایان جنگ به مقاصد عمومی و جهانی خود برسند.

۴. یک سال قبل از پایان جنگ، در سال ۱۹۱۷ وقایع زیر رخ داد:  
 - صدور اعلامیه بالفور توسط وزیر خارجه انگلیس خطاب به «لرد روچیلد» برای تشکیل کانون ملی یهودی‌ها در فلسطین.

- پیروزی بلشویک‌ها در روسیه با تأمین هزینه‌های انقلاب به وسیله ثروتمندان یهودی امریکا از قبیل یعقوب شیف و بارهبری اکثریت یهودی در همه مراحل هدایت و پیروزی کمونیست‌ها.

- تمهید «شورای روابط خارجی» در امریکا که شامل سرمایه‌داران بزرگ یهودی امریکا و گرداننده اصلی امریکا از آن روز تا کنون بوده است.

- ایجاد قحطی عمدی به وسیله انگلیسی‌ها در ایران (۱۹۱۹-۱۹۱۷) و از پادآمدن ۸ تا ۱۰ میلیون نفر از مردم ایران؛ و روی کار آوردن سلسله یهودی‌الاصل پهلوی.<sup>۱</sup>

۵. در سال ۱۹۲۹ اولین درگیری وسیع بین مسلمانان فلسطینی و جهودهای مهاجم

۱. موارد ذکر شده را با برخی اسناد آن می‌توان در دو کتاب از نگارنده ملاحظه کرد:

- *خفاش و خورشید*، شمس‌الدین رحمانی، حامیان آزادی قدس، ۱۳۹۱.

- *نظام نوین جهانی*، شمس‌الدین رحمانی، پیام آزادی، ۱۳۷۱.

رخ داد که موجب صدها کشته و زخمی شد. در ایران در این سال (۱۳۰۸ هجری شمسی) با شروع موضوع کشف حجاب، مردم را به گرفتاری داخلی سرگرم کردند. ۶. در سال ۱۹۳۵ عزالدین قسام، روحانی بزرگوار فلسطینی به شهادت رسید. در ایران این سال (۱۳۱۴) مقارن شدت ناگهانی کشف حجاب و برگرفتن عمامه از سر روحانیون بود.

۷. ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸: اعلام استقلال دولت خونخوار و جعلی صهیونیستی؛ پیروزی انقلاب چین؛ پیروزی انقلاب هند در مقابل استعمار انگلیس و جدا شدن پاکستان مسلمان از هند غیر مسلمان.

۸. ۱۹۶۷: جنگ شش روزه اسرائیل با سه کشور مصر، سوریه و اردن؛ و به انجام رسیدن اصلاحات ارضی<sup>۱</sup> (۱۳۴۶) در ایران.

۹. ۱۹۷۰: جنگ داخلی پاکستان و جدا شدن پاکستان شرقی (بنگلادش) از پاکستان غربی؛ کشتار فلسطینیان در اردن به دست ارتش آن کشور و ملک حسین؛ تشکیل کنفرانس صلح بین یاسر عرفات و ملک حسین و مرگ ناگهانی عبدالناصر و روی کار آمدن سادات.

۱۰. ۱۹۷۳: جنگ رمضان و قهرمان سازی سادات و نمایش پیروزی در ابتدای جنگ و تحریم نفتی و شوک اول نفت که مقدمه تشکیل کمیسیون سه جانبه و نظم نوین جهانی از جانب امریکا و راکفلر بود.

۱۱. ۱۹۷۹: پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷؛ در این سال شوروی به افغانستان حمله کرد تا یک کشور فارسی زبان محروم هم مرز با ایران به انقلاب وصل نشود؛ امام موسی صدر ربوده شد تا شیعیان لبنان بی رهبر شوند؛ قرارداد کمپ دیوید به دست سادات با اسرائیل بسته شد. در ایران دولت بازرگان تشکیل شد.

گفتنی است که برنامه ریزان نظم نوین جهانی از قبل برنامه‌ای به نام «پروژه هشتاد» را تدارک دیده بودند تا به زور نفت همه دنیا را در یک کاسه و در یک مجموعه تحت امر قرار دهند. شاید آن‌ها خیال می‌کردند که از انقلاب اسلامی هم می‌توان در آن جهت استفاده کرد و نخست‌وزیری مهندس بازرگان با وزیر خارجه‌ای چون دکتر یزدی و همراهانی چون اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی‌ها به آن‌ها این امید را می‌داد که کار کاملاً در دست خودشان است. اما وقایعی چون اعلام روز قدس و سپس گرفتن جاسوس‌خانه

۱. اصلاحات ارضی، یک برنامه کاملاً اسرائیلی بود برای نابود کردن کشاورزی و دامداری سنتی و مستقل ایران و ایجاد سلطه نفت بر مملکت؛ و برنامه آن از سال ۱۳۲۸ پیش‌بینی شده بود.





(سفارت امریکا در ایران) معلوم کرد که باید در مقابل این انقلاب شدت عمل به خرج دهند.

آمدن بنی‌صدر بر سر کار، واقعه طبس، شروع جنگ ۱۳۵۹، ترورهای عجیب در سال ۱۳۶۰ و... همگی، وقایعی بودند که قاعدتاً هر دولت نوپا و هر انقلاب تازه‌ای را می‌بایست از پا در می‌آورد. اما آن‌چه به کلی غرب را - امریکا، انگلیس، صهیونیست‌ها را - از شکست انقلاب اسلامی ناامید کرد، آزادی خرمشهر بود؛ درست از این نقطه است که رفتار غرب شکل و ماهیتی دیگر پیدا کرد. مفید است که ابتدا اشاره‌ای به اهمیت خرمشهر داشته باشیم.

### خرمشهر و نفت

خرمشهر قدیمی‌ترین بندر ایران و در مهم‌ترین نقطه در خلیج فارس واقع شده است. اشغال خرمشهر در همان ماه‌های ابتدای جنگ در واقع یعنی اشغال خوزستان و در اختیار گرفتن نفت ایران و سلطه بر خلیج فارس. گفتنی است که یکی از علل اساسی تشکیل رژیم صهیونیستی، وجود نفت در خاورمیانه است. باید باز هم به عقب برگردیم:

صناعت جدید نفت در سال ۱۸۵۹ هنگامی آغاز شد که ادوین دریک در اوایل کریک پنسیلوانیا نخستین چاه نفت را حفر کرد... نخستین چاه ایران در مسجدسلیمان در خرداد ماه ۱۲۸۷ هجری شمسی (۱۹۰۸ م) حفر شد... عمل پالایش نفت، سبب پیدایش شرکت‌های بزرگ شد و این صنعت زیر نفوذ ج.د. را کف‌لر قرار گرفت. تا پیش از پیدا شدن موتورهای بنزینی و استفاده از آن در اتومبیل، کامیون، تراکتور و هواپیما، موارد استعمال فرآورده‌های نفت محدود بود. امروز تمدن سراسر جهان، وابسته به نفت و فوائد بسیاری است که از آن به عنوان مولد انرژی و سوخت و وسیله ساختن رنگ و دارو و بسیاری از مواد مصنوعی استفاده می‌شود (مثل پتروشیمی). حدود ۶۰ درصد محصولات نظامی کشتی‌هایی که در جنگ دوم از امریکا صادر می‌شد فرآورده‌های نفتی بود...<sup>۱</sup>

۱. دایره‌المعارف فارسی، به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب، ج ۳، ص ۳۰۴۲.

آمدن بنی صدر بر سر کار، واقعه طمس، شروع جنگ ۱۳۵۹، ترورهای عجیب در سال ۱۳۶۰ و... همگی، وقایعی بودند که قاعدتاً هر دولت نوپا و هر انقلاب تازه‌ای را می‌بایست از پا در می‌آورد. اما آن‌چه به کلی غرب را - امریکا، انگلیس، صهیونیست‌ها را - از شکست انقلاب اسلامی ناامید کرد، آزادی خرمشهر بود؛ درست از این نقطه است که رفتار غرب شکل و ماهیتی دیگر پیدا کرد

قرن نوزدهم قرن صنعت سنگین با سوخت ذغال سنگ بود و قرن بیستم قرن نفت با گسترش بسیار وسیع با سوخت نفت. به راحتی می‌توان گفت که از عوامل بروز جنگ‌های جهانی اول و دوم، سلطه بر منابع نفت بود؛ آن‌چنان که سیاست‌های خاورمیانه‌ای و کشورهای صاحب نفت را، این ماده تعیین می‌کرد. از جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۷۳ (یعنی حدود ۶۰ سال) قیمت نفت از بشکه‌ای یک دلار و ۱۰ سنت به یک دلار و ۳۰ سنت رسید. در جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳ قیمت نفت به ۵ تا ۷ دلار صعود کرد که در واقع تدبیر خود

امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها و راکفلر بود تا ژاپن و اروپا را در مقابل برنامه پروژه هشتم کمیسیون سه جانبه، خاضع کنند. اما با انقلاب اسلامی ایران قیمت نفت به ۴۰ دلار و از آن پس با افت و خیز تا ۱۴۰ دلار و بیشتر رسید و غرب را گرفتار شوک نفتی واقعی کرد. دو خانواده یهودی روچیلد (صاحب کمپانی شل) و راکفلر (صاحب استاندارد اوپل) دو ارباب اصلی جهان در قرن بیستم بوده‌اند. خانواده روچیلد، بنیان‌گذار اسرائیل است و خانواده راکفلر مهم‌ترین پشتیبان و حامی آن.

مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در مشهد مقدس در نوروز ۱۳۹۱ فرمودند:

ایران دنبال سلاح هسته‌ای نیست... نه تولید کردیم نه تولید خواهیم کرد؛ این را می‌دانند، اما یک بهانه است. یک روز این مسئله بهانه است، یک روز حقوق بشر بهانه است، یک روز فلان مسئله داخلی بهانه است؛ اما همه این‌ها بهانه است. مسئله اصلی چیست؟ مسئله اصلی، حراست مقتدرانه نظام اسلامی از ثروت عظیم و نفت و گاز در این کشور است. امروز و فردا - مثل دیروز - اقتدار اقتصادی و سیاسی و به تبع آن، اقتدار علمی و نظامی، متوقف است به انرژی، به نفت. تا ده‌ها سال دیگر، دنیا محتاج نفت و گاز است؛ این یک مطلب مسلم است. استکبار و قدرت‌های استکباری می‌دانند که رگ حیاتشان به نفت و گاز وابسته است. آن روز که نتوانند این نفت ارزان را به دست بیاورند، آن روز که مجبور باشند



برای تهیه نفت و گاز امتیاز بدهند و از زور گویی دست بردارند، آن روز برای آن‌ها مصیبت بار است.»

با این اوصاف در اختیار گرفتن خرمشهر در ابتدای جنگ برای بعضی‌ها و غربی‌ها به معنی قطع رشته حیات مادی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود و باز پس گرفتن آن در میان ناباوری و استعجاب آن‌ها، بدان معنی بود که انقلاب اسلامی با زور تهاجم نظامی شکست نمی‌خورد؛ چرا که استحکاماتی که برای حفظ خرمشهر تدارک دیده بودند، خارج از حد و اندازه‌های معمول آن جنگ بود. گفته می‌شد که سنگ‌های مثلی بعضی‌ها از ابتکارات صهیونیست‌ها بوده و تدارکات و تجهیزات آن‌ها نیز بی حساب بود. این در شرایطی بود که در ایران اوضاع و احوال، بدترین شکل و وضع ممکن را - از نظر آن‌ها - نشان می‌داد.

و این چنین بود که امام خمینی رحمت‌الله‌علیه فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

### تبعات آزادی خرمشهر

یهودی‌ها، صهیونیست‌ها و غربی‌ها، به خوبی فهمیدند که این انقلاب را با قدرت نظامی نمی‌توان شکست. پس چه باید کرد؟

- جلوگیری از تبعات آن؛

- تدبیرها و روش‌های غیر نظامی؛

- تضعیف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اعتقادی مردم و...

و این‌گونه بود که به فاصله ۱۲ روز پس از فتح خرمشهر، یعنی در ۱۶ خرداد ۱۳۶۱ اسرائیل به بهانه سرکوب فلسطینیان، تعرض به لبنان را آغاز کرد که نیم بیشتر جمعیت آن و محرومان اصلی آن کشور شیعیان بودند و ساکن جنوب لبنان.

در ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱ اسرائیل با حمله سراسری به لبنان تا بیروت را اشغال کرد و در همین روزها چهار ایرانی هم - از جمله احمد متوسلیان - روبرو شدند.

و در ۲۵ تا ۲۷ شهریور، کشتار صبرا و شتیلارخ داد (۱۶ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۲) با آماری حدود چهار هزار نفر کشته از زن و مرد و کودک و پیر و عموماً غیر نظامی.

اسرائیلی‌ها با این حمله می‌خواستند اولاً بخشی از نیروهای ایران را به لبنان بکشانند تا صدام را نجات دهند که امام خمینی با تیزهوشی فهمیدند و مانع شدند و گفتند «راه قدس از کربلا می‌گذرد.»

ثانیاً لبنان یا لاقلاً جنوب لبنان را اشغال کنند و شیعیان را در اختیار بگیرند. و ثالثاً بر

رود لیتانی سلطه یابند و از منابع آب استفاده کنند.  
اکنون با رجوع به برخی منابع این عناصر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## پل فیندلی و فریب‌های عمدی

پل فیندلی نماینده سابق کنگره امریکا که یک مقام مطلع در حکومت امریکا و آشنا به مسائل پنهان و آشکار اسرائیل بود، در کتاب خود *فریب‌های عمدی*<sup>۱</sup> نوشت:

«تازمان تهاجم اسرائیل به لبنان در تاریخ ششم ژوئن ۱۹۸۲ پارتیزان‌های فلسطینی با دقت نظر و وسواس فراوان آتش‌بسی را که از تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۱ به اجرا درآمده بود رعایت می‌کردند. مرز شمالی اسرائیل با لبنان کاملاً آرام بود و هیچ حمله‌ای گزارش نشده بود.

هنگامی که در تاریخ سوم ژوئن به سفیر اسرائیل در لندن سوءقصد شد مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل از این حادثه برای توجیه تهاجم به لبنان استفاده کرد. این تصمیم علی‌رغم این واقعیت اتخاذ شد که تحلیل‌گران اطلاعاتی اسرائیل فوراً خاطر نشان کردند که سوءقصد کنندگان به گروه تروریستی شورای انقلابی فتح - که هیچ‌گونه ارتباطی با ساف ندارد - تعلق داشتند. رهبر این گروه ابونضال بود که یکی از بدترین دشمنان یاسر عرفات رهبر ساف به شمار می‌آمد. ولی بگین با اعلام این که «همه این‌ها عضو ساف هستند»، دستور یک حمله هوایی سنگین را صادر کرد.<sup>۲</sup> این حمله روز بعد به ادارات ساف در محله پر جمعیت غرب بیروت و جنوب لبنان انجام شد که طی آن ۴۵ نفر کشته و ۱۵۰ نفر مجروح شدند. تهاجم سنگین اسرائیل سه روز پس از زخمی شدن آرگف صورت گرفت.

یکی از منتقدین با انتقاد از آریل شارون وزیر دفاع اسرائیل نوشته است: «آریل شارون کشوری نسبتاً صلح‌جو را که مرزهای شمالی ما با آن برای تمام سال آرام بود، اشغال کرد؛ آن را چنان در گرداب ویرانی و

۱. پل فیندلی، *فریب‌های عمدی؛ حقایق درباره روابط امریکا و اسرائیل*، ترجمه محمدحسین آهویی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۸.

۲. ۶ ژوئن ۱۹۸۲ مقارن با ۱۷ خرداد ۱۳۶۱ و سالروز جنگ ۱۹۶۷ پیروزمندانه اسرائیل است.

۳. شولومو آرگف سفیر اسرائیل در لندن بود که در این ماجرا زخمی شد. عده‌ای به‌جد معتقدند که دستور این سوءقصد و زمان آن از جانب خود اسرائیل بوده است.





نابودی غوطه‌ور ساخت که اثرات مصیبت‌بار آن در هر گوشه و کناری  
 به چشم می‌خورد.»

مناخیم بگین نخست‌وزیر اسرائیل گفت: ما، چشم طمع به یک اینچ  
 از خاک لبنان نداریم!

اما با گذشت بیش از یک دهه از تهاجم ۱۹۸۲، اسرائیل هم‌چنان به  
 کنترل جنوب لبنان ادامه می‌دهد. اما تا اواخر سال ۱۹۹۲ حدود یک  
 هزار تن از نیروهای اسرائیل «کمر بند امنیتی» در جنوب لبنان را که در  
 سال ۱۹۷۸ تصرف کرده و در جریان تهاجم ۱۹۸۲ آن را به دروازه مایل  
 در داخل خاک لبنان توسعه داده بودند، در اشغال داشتند... از همان  
 ابتدای استقرار دولت اسرائیل، رهبران آن کشور، آرزوی اشغال ناحیه  
 جنوبی لبنان را در سر می‌پروراندند.<sup>۱</sup>

باید توجه داشت که سال ۱۹۷۹ - که در بالا ذکر شد - سال پیروزی انقلاب اسلامی  
 ایران است که اسرائیل برای حفظ «امنیت خود» به لبنان حمله کرده و کمر بند امنیتی  
 درست کرد؛ و در سال ۱۹۸۲، بعد از فتح خرمشهر کوشیده است با همان سیاست و با  
 این حمله گسترده و اشغال لبنان به اهداف خود برسد و کمر بندش را محکم‌تر کند.  
 فیندلی می‌نویسد:

یک هفته پس از آغاز تهاجم، نیروهای اسرائیلی، در بیروت و در شصت  
 مایلی مرز اسرائیل بودند. تا آن زمان ناحیه جنوب لبنان در هم کوبیده  
 شده بود. دویست هزار تن از ساکنان آن منطقه آواره و حداقل بیست  
 هزار تن کشته و زخمی شده بودند.<sup>۲</sup>

چند سال بعد آریل شارون وزیر دفاع اسرائیل در ۱۹۸۹ گفت:

جنگ لبنان همانند تمام جنگ‌های اسرائیل، اقدامی تدافعی بوده  
 است. اما حتی بگین، نخست‌وزیر اسرائیل بر این باور نبود که تهدید از  
 جانب لبنان به اندازه‌ای سهمگین بوده که اسرائیل چاره‌ای جز دست  
 یازیدن به جنگ نداشت. بگین طی نطقی در کالج دفاع ملی اسرائیل  
 اظهار داشت: اسرائیل سه جنگ را پشت سر گذاشته که در آن‌ها راه  
 دیگری جز آغاز جنگ نداشت ولی در سه جنگ دیگر می‌توانست راه

۱. همان، ص ۶۳-۶۲.

۲. همان، ص ۶۵. ساکنان جنوب لبنان اکثر شیعیان محروم هستند.





دیگری را برگزیند که تهاجم ۱۹۸۲ به لبنان یکی از آن‌ها بود...<sup>۱</sup> تهاجم سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان، اولین جنگ خاورمیانه بود که تمام جنبه‌های دهشتناک آن، در تلویزیون‌ها منعکس شد. گزارش‌های روزانه از بمباران غیرنظامیان توسط نیروهای اسرائیل، اعتراض‌های بین‌المللی را در پی داشت. در ایالات متحده، حامیان اسرائیل در کنار آن کشور بودند و با هیاهوی فراوان مدعی می‌شدند که در تمام این رنج‌ها و حرمان‌ها، خیر و نیکی وجود دارد.<sup>۲</sup> هنری کیسینجر وزیر خارجه سابق امریکا اعلام کرد که: تهاجم، فرصت‌های فوق‌العاده‌ای را برای اعمال یک دیپلماسی فعال امریکایی در خاورمیانه به وجود آورده است.<sup>۳</sup> پخش تلویزیونی وسیع این تهاجم - در حالی که این تلویزیون‌ها متعلق به صهیونیست‌هاست - به خاطر ایجاد رعب و وحشت و ارسال پیامی به ایران و شیعیان و مسلمانان انقلابی بود که یعنی ما این‌گونه مقابله می‌کنیم.

### چامسکی و مثلث سرنوشت

نوآم چامسکی در کتاب *مثلث سرنوشت*<sup>۴</sup> درباره جنگ ۱۹۸۲ اسرائیل علیه لبنان می‌نویسد:

در ۱۹۸۲ نیروهای اکتشافی ارتش اسرائیل، دست به حمله‌ای زدند که از مدت‌ها پیش انتظار آن می‌رفت: عملیات «صلح برای جلیل». عبارتی که به قول یکی از مفسران اسرائیلی، «گویا مستقیماً از صفحات کتاب ۱۹۸۴ بیرون کشیده شده است»<sup>۵</sup>.

کتاب ۱۹۸۴ رمانی است نوشته جرج اورول که در آن پیشگویی می‌کرد که اگر چاه‌های نفت خاورمیانه به وسیله دشمنان غرب اشغال و بلکه منفجر شود، دنیا به چه صورتی در می‌آید. جرج اورول از مأموران پروژه ۸۰ و مبلغ نظم نوین جهانی بود. چامسکی ایضاً می‌نویسد:

درست پیش از آغاز تجاوز اسرائیل، ژنرال شارون، از واشنگتن دیدار

۱. همان، ص ۷۰.

۲. این، مقدمه جریان وسیع تبلیغاتی صهیونیسم مسیحی است که در تمام سه دهه بعد ادامه یافت. این جریان تلقین می‌کرد که برای بازگشت حضرت مسیح باید یک جنگ وسیع در خاورمیانه رخ بدهد.

۳. همان، ص ۷۲.

۴. نوآم چامسکی، *مثلث سرنوشت؛ امریکا، اسرائیل و فلسطینی‌ها*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، ۱۳۶۹، آگاه.

۵. همان، ص ۳۰۱.



کرد و به ادعای خودش به آگاهی و این برگر رساند که اسرائیل باید در لبنان دست به عمل بزند. بنا به آمارهای پنتاگون در سه ماهه نخست ۱۹۸۲ مقادیر عظیمی تسلیحات نظامی از امریکا به اسرائیل سرازیر شد.<sup>۱</sup>

واین برگر، وزیر جنگ امریکا در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان است. او یک یهودی است و یک بار گفت: «ریشه ملت ایران را باید سوزاند.» توجه شود که «ریشه ملت ایران» نه دولت ایران؛ و ریشه را سوزاندن یعنی از بیخ و بن کندن و از بین بردن. یکی، دو هفته بعد از بیان این جمله، واین برگر از وزارت استعفا داد.  
چامسکی می گوید:

یووال نعمان، پزشک سرشناس و رئیس پیشین دانشگاه تل آویو و عضو کنست از حزب تهیا، اصرار می ورزید که اسرائیل مرز جدیدی در لبنان برپا دارد. به عقیده او، ارتش اسرائیل باید آمادگی توقف درازمدتی را در لبنان داشته باشد...<sup>۲</sup>

برای آن که اسرائیل بتواند به دو هدف اصلی خود در لبنان یعنی نابود کردن هر نوع هویت و موجودیت فلسطینی و برقراری نظامی جدید دست یابد لازم بود که... قدرت، یکسره به دست فالانژها بیفتد؛ و در جنوب نیز طرفداران (سعد) حداد، یا امثال او، قدرت را به دست گیرد... انتظار بر آن بود که اتحادیه‌ای از محافظه کاران که تحت تسلط مارونی‌های مسیحی باشد، اما گروه‌های مرفه مسلمانان را نیز در برگیرد، پس از نابودی فلسطینی‌ها و مسلمانان طرفدار آن‌ها تشکیل شود.<sup>۳</sup>

گفتنی است شیعیان جنوب لبنان فقیرترین گروه در لبنان بودند که امام موسی صدر برای نجات آن‌ها تلاش بسیار کرد. خود امام موسی صدر در تابستان ۱۳۵۷ - یعنی پنج، شش ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ناپدید شد - که دست موساد و لیبی و ایتالیا در آن بود - و بعد از جریان سال ۱۹۸۲ نیز در میان همین مسلمانان، حزب الله لبنان سربر آورد.

جالب این که در همان تابستان ۱۳۵۷ بگین گفته بود زلزله‌ای در ایران رخ داده است که همه ما را به شدت خواهد تکاند. اکنون در سال ۱۹۸۲ مناخیم بگین نخست وزیر

۱. همان، ص ۲۹۸. اصل کتاب در لندن در سال ۱۹۸۳ چاپ و منتشر شده است.

۲. نوام چامسکی، همان، ص ۲۹۴.

۳. همان، ص ۲۹۵.

بود و همراه همدل او، شارون وزیر جنگ بود و در ایران کار به فتح خرمشهر رسیده بود و طبعاً اسرائیل به فکر کنترل جنوب لبنان می افتاد.

## شرابی و امریکا و اعراب

نظام شرابی، نویسنده عرب<sup>۱</sup> می نویسد:

رونالد ریگان یک هنرپیشه درجه ۳ سینما بود. او ابتدا در سندیکای هنرپیشگان کار می کرد. بعد فرماندار ایالت کالیفرنیا شد<sup>۲</sup> و در همین مقام بود که کاندیدای ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا وارد کاخ سفید شد.

ریگان مانند بسیاری از مسیحیان امریکایی - اعم از رهبران یا مردم عادی - دارای ریشه ها و اعتقاداتی مذهبی بود که او را به یهودیت و یهودیان و در نتیجه به اسرائیل و امنیت آن پیوند می داد.<sup>۳</sup>

در شامگاه چهارم و پنجم ژوئن ۱۹۸۲ هواپیماهای اسرائیل محله های غرب بیروت و شهرهای صیدا و صور و نبطیه را بمباران کردند و در روز ششم ژوئن نیز نیروی زمینی اسرائیل با ۶۰۰۰۰ سرباز و ۶۰۰ دستگاه تانک و با حمایت و پوشش انبوه هوایی و بمباران هواپیماها، وارد خاک لبنان شد و نیروی دریایی، نیروهای ویژه را در سواحل لبنان پیاده کرد... که طی آن بیش از ده هزار نفر مردم لبنان بدون هیچ تفاوتی میان زن و مرد و کودک یا نظامی و غیرنظامی کشته و بیش از یکصد هزار نفر دیگر زخمی شدند...<sup>۴</sup>

البته بهانه اسرائیل برای توجیه حمله اسرائیل به لبنان، سوء قصد نسبت به جان سفیر این کشور در لندن بود...<sup>۵</sup>

وودوارد در کتابش موسوم به نقاب می گوید که سازمان جاسوسی اسرائیل و سیا و بریتانیا متوجه شدند که ادعای بگین کذب محض است چراکه ساف هیچ نقشی در سوء قصد به سفیر اسرائیل نداشت و گروهی

۱. نظام شرابی، امریکا و اعراب، ترجمه عباس عرب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.

۲. عیناً شبیه آرنولد شورتزینگر که هنرپیشه هالیوود بود و فرماندار کالیفرنیا شده است و فیلم هایش به نفع اسرائیل است؛ ولی هنوز رئیس جمهور نشده!

۳. همان، ص ۱۳۳۵.

۴. همان، ص ۱۳۵۹.

۵. همان، ص ۱۳۶۰.





که دست به این عملیات زد، گروه ابونضال بود که از ساف منشعب شده بود...<sup>۱</sup>

## ... و دیگران

در میان کسانی که با موضوع لبنان سر و کار دارند و در این زمینه مطالعه و تحقیق و دقت کرده‌اند، تا آن جا که نگارنده این سطور دیده است، تنها دکتر حسین ابوترابیان به زوایای پنهان و ناگفته فاجعه لبنان توجه و به آن اشاره نموده است؛ اگر چه هنوز ایشان هم به حضور شیعیان در جنوب لبنان اشاره‌ای ندارد. در کتاب *مشت/هنین*<sup>۲</sup> که ترجمه دکتر ابوترابیان است، نویسنده در بخشی با عنوان «زمینه‌سازی برای حمله به لبنان» می‌نویسد:

در این مسئله تردیدی نیست که وقوع حادثه ترور شلومو آرگوف سفیر اسرائیل در لندن در روز سوم ژوئن ۱۹۸۲ صرفاً دست‌آویزی برای اسرائیل بود تا به بهانه سرکوب اعضای ساف نقشه خود را در حمله به لبنان جامه عمل بپوشاند در حالی که بعداً معلوم شد برخلاف اظهار نظر بگین ترور سفیر اسرائیل را اعضای ساف انجام نداده بودند. مارگارت تاجر (نخست‌وزیر انگلیس) نیز صریحاً اعلام کرد که ترور آرگوف توسط شاخه ابونضال صورت گرفته بود...<sup>۳</sup>

...ژنرال شارون... به ویژه به امریکایی‌ها بر این نکته تأکید داشت که لازم است اسرائیل حتماً قبل از انتخاب رئیس‌جمهور لبنان در ماه سپتامبر ۱۹۸۲ به لبنان حمله کند...<sup>۴</sup>

مترجم در پاورقی، به کتاب *خطا و خیانت در لبنان*<sup>۵</sup> ارجاع می‌دهد که در آن جرج بال، به تفصیل به موضوع لبنان می‌پردازد. این کتاب تماماً مربوط به حمله اسرائیل به لبنان و تجزیه و تحلیل مسائل آن و ذکر همان مسائل ترور و سفیر اسرائیل<sup>۶</sup> و... است و مطالبی را به طور تکراری ذکر می‌کند. اما مترجم در توضیح و حاشیه به نکات جالبی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

۱. همان، ص ۱۴۰۰، پاورقی ۱.
۲. لنی برنر، *مشت/هنین*، ترجمه حسین ابوترابیان، اطلاعات، ۱۳۶۷.
۳. همان، ص ۲۸۵.
۴. همان، ص ۲۸۶.
۵. جرج بال، *خطا و خیانت در لبنان*، ترجمه حسین ابوترابیان، اطلاعات، ۱۳۶۵.
۶. همان، ص ۳۸.

این که امام عظیم الشان فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد» نشان از عظمتی دارد که امام برای این واقعه قائل بوده است و این تعبیر را برای موارد دیگر به کار نبرد

جرج بال در تفسیری که پیرامون تطبیق و مسئله تهاجم به لبنان با حوادث قبل از آن ارائه داده، سه نکته بسیار پراهمیت را عمده‌اً نادیده گرفته است. یکی رویداد شگفت‌انگیز بازستاندن خرمشهر در جریان جنگ تحمیلی در تاریخ ۳ خرداد ۱۳۶۱ برابر

با ۲۴ مه ۱۹۸۲، یعنی درست ۱۲ روز قبل از حمله اسرائیل به لبنان. دومی ماهیت ابونضال (عامل بمب‌گذاری سفارت انگلیس در لندن) که از عوامل رژیم عراق بوده و همواره شهرت به اجرای عملیاتی داشته که ظاهراً ضداسرائیلی، ولی در باطن به نفع اسرائیل تمام شده است؛ و سومی نیز بهره‌برداری صدام حسین از حمله اسرائیل به لبنان، که او بلافاصله پس از این حمله اعلام کرد: از خاک ایران عقب‌نشینی می‌کند تا با خطر صهیونیسم به مقابله برخیزد. (برای آن که هم شکست او در خرمشهر نوعی عقب‌نشینی قلمداد شود و هم ایران را از ادامه نبرد بازدارد.)

جهت ربط‌دادن این سه مسئله نیز کافی است به نطق واین برگر (وزیر دفاع امریکا) توجه کنیم که گفته بود: «فکر می‌کنم ایرانی‌ها خطر جدی برای کشورهای خاورمیانه و اسرائیل باشند.»<sup>۱</sup>

به این ترتیب، اسرائیل علاوه بر تمام هدف‌هایی که جرج بال در کتابش آورده، در حمله به لبنان هدف مهم دیگری را نیز با همکاری امریکا و صدام تعقیب می‌کرده است: جلوگیری از ادامه پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در جنگ، به صورت منحرف کردن فکر مردم ایران به سوی مسئله نجات مسلمانان لبنان از جنگ اسرائیل، همراه با قبولاندن آتش‌بس پیشنهادی صدام و موجه جلوه دادن ژست فریبنده او در عقب‌نشینی از ایران، به خاطر مبارزه با اسرائیل.

ولی جالب این جاست که درست در بحبوحه تشنت افکار به وجود آمده در ایران و دودلی در تصمیم‌گیری به ادامه مبارزه با صدام با حرکت به سوی لبنان برای دفاع از مسلمانان آن دیار، واکنش به‌موقع و بسیار سنجیده امام خمینی به صورت مطرح کردن

۱. لوموند، ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۲.





شعار «راه قدس از کربلا می گذرد» ناگهان همه آن چه توسط امریکا، اسرائیل و صدام بافته شده بود، پنبه شد؛ و نتیجه این اقدام نیز به قدری برای دشمنان اسلام ناگوار بود که پاتک خود را به صورتی که جز خبر از استیصال آن ها نمی داد به اجرا در آوردند و در همه جا شایع کردند که: «ایران با اسرائیل هم دست و شریک است!»<sup>۱</sup> و آخرین جمله از جرج بال:

مسئله اینجاست که اگر فرماندهی ارتش اسرائیل، واقعاً آن طور که ادعا می کند، هدفی جز بیرون راندن عناصر افراطی فلسطینی از اردوگاه ها نداشت، چرا به جای آن که خود چنین وظیفه ای را به عهده بگیرد و یا حداقل تعدادی از پرسنل شیعه مذهب ارتش لبنان را - که ضد فلسطینی بودند - مأمور این کار کند، فالانژیست ها را به صحنه کشاند؟ و در حقیقت کسانی را به جان فلسطینی ها انداخت که از قبل به قتل عام فلسطینی ها شهرت داشته اند.<sup>۲</sup>

چند سال بعد، یک کارشناس امریکایی، کمی روشن تر، به برخی از زوایای این مطالب اشاره کرد:

مارک کاز یوروسکی، متخصص و مورخ امریکایی گفت:.... در تابستان ۱۹۸۲ که شرایط جنگ به نفع ایران تغییر کرد، موقعیت استراتژیکی را برای امریکا، تغییر داد. در این شرایط امریکا واقعاً سیاست بازدارندگی را در برابر انقلاب ایران پیش گرفت. امریکا، حتی به سمت کمک به عراق در جنگ حرکت کرد. وی افزود: حتی شنیده ام که امریکا در آن دوره، اطلاعات جاسوسی بسیار ارزشمندی را در رابطه با تحرکات ایران، در اختیار عراق قرار می داده است. در آن مقطع، امریکا کاملاً به سمت عراق متمایل بود و از بغداد حمایت می کرد تا مانع ورود ایران و تصرف خاک عراق توسط ایران شود.<sup>۳</sup>

\*\*\*

از این مجموعه به دست می آید که اهداف دیگری در پشت ظاهر وقایع بوده است که

۱. جرج بال، همان، ص ۱۷۸-۱۷۷، حاشیه شماره ۹.

۲. همان، ص ۷۲. از تدابیر قبلی غربی ها هم سامان دادن بعضی درگیری ها در میان فلسطینیان و شیعیان لبنان بود تا این زخم ایجاد شود و بماند؛ چنان که قبل و بعد از آن به دست عناصر انجمن حجتیه از ناصبی بودن فلسطینیان خبر می داد.

۳. کیهان، ۹۱/۱۱/۳۰، ص ۲.

مهمترین آن، ترس از قدرت گرفتن شیعیان در جنوب لبنان و درست بیخ گوش اسرائیل بوده است؛ خطری که اسرائیل به درستی تشخیص داده بود و عاقبت هم بلای جاننش شد. حزب الله لبنان که حماسه هایش از بیرون راندن اسرائیل تا جنگ ۳۳ روز ادامه یافت و خطری که ریشه در تاریخ داشت. دانشمندان اهل تاریخ یهود می دانستند که مشکل اصلی آن ها با اصل اسلام است و با اسلام اصیل و ناب که آن، اکنون در میان شیعیان و در دستان رهبر آنان یعنی امام خمینی است که طی بیست سال (۱۳۶۰-۱۳۴۰) قدم به قدم با همه کیان آن ها جنگیده و پیروز شده و یاد و خاطره خیبر و بنی قریظه را زنده کرده است.

## پیام امام

امام خمینی رحمت الله علیه علاوه بر پیام های بعد از فتح خرمشهر، در تاریخ ۶ تیر ماه ۱۳۶۱ و به مناسبت سالروز فاجعه هفت تیر - کمی بیش از یک ماه پس از فتح خرمشهر - طی پیامی برای مردم گفتند:

... سپاس فراوان به درگاه خداوند متعال که با عنایات خاصه خود، این کشور بقیه الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - و این ملت حزب الله را در تمام زمینه ها و مراحل به پیروزی و یا آستانه پیروزی رساند و قدرت جمهوری اسلامی و ارگان های او روز به روز افزایش یافته است.

امروز ملت عزیز ایران که نادانان گمان می کردند با جنایات غیر انسانی خویش و به شهادت رساندن شخصیات ارزنده آن، از صحنه خارج می شوند، و رمز حضور آنان را نمی توانستند و نمی توانند ادراک کنند، هم چنان با قدرت الهی خویش به پیش می روند و ما امیدواریم که با شکست توطئه اخیر امریکا برای حفظ صدام و حزب علفی، قوای شجاع ما با شکست نهایی دولت عراق، راه را برای تاختن به سوی بیت المقدس باز نمایند؛ چنان چه امید است ما شاهد بی تفاوتی های کشورهای منطقه نباشیم که با هجوم اسرائیل و قتل و غارت اخیر آن در کشور اسلامی لبنان همه چیز آنان در خطر تباهی است.

ملت های مسلمان بدانند که با این سکوت مرگبار بعضی از دولت های منطقه و این تسلیم بی چون و چرای آنان در مقابل امریکا و اسرائیل، امروز لبنان عزیز در حلقوم این جهان خوار و تفاله او فرو می رود و فردای





نزدیک، کشورهای عزیز دیگر. و اگر امروز دولت‌های منطقه با سلاح نفت و سلاح گرم در مقابل این جنایت کاران بایستند، مسئله اسراییل و پس از آن امریکا و هر قدر تمند چپاولگر دیگر حل می‌شود.<sup>۱</sup>

## کنگره صهیونیست‌ها

کنگره سی‌ام صهیونیست‌ها در قدس و در دسامبر ۱۹۸۲ برگزار شد. این، اولین کنگره پس از امضای پیمان صلح بین مصر و اسراییل بود. این کنگره چند ماه پس از حمله رژیم صهیونیستی به لبنان تشکیل شد که نقشه جنگ و کشمکش اعراب و اسراییل را اساساً تغییر داد. هم زمان با این کنگره در داخل و خارج اسراییل، مخالفت با سیاست‌های دولت لیکود بالا گرفت... مهم‌ترین مشکلات، ترک وطن و شکست تلاش‌های دولت و سازمان صهیونیسم در جلب مهاجران یهودی به اسراییل بود. علاوه بر این، جوانان از آموزش یهودی استقبال نمی‌کردند. طبق معمول، کنفرانس به تعریف یهودی، صهیونیست دست نیافت... اعضای کنفرانس... از بر باد رفتن آرزوهایشان سخن (گفتند)... نزدیک بود که جنبش صهیونیسم در این کنگره دچار انشعاب شود... کنگره یک بار دیگر نیز دست‌خوش تحریک و تشنج شد؛ یعنی زمانی که ناظر مالی سازمان در گزارش خود، مسئولان بلندپایه را به سوءاستفاده از کمک‌های مالی یهودیان جهان متهم کرد.

کنفرانس به موضوع شکاف و جدایی طایفه‌ای و گروهی یهودیان شرقی و غربی در اسراییل نیز پرداخت...<sup>۲</sup>

باید پرسید در حالی که اسراییل با قدرت‌نمایی و با کمک امریکا و غرب دامنه اشغال سرزمین‌ها را وسعت داده و تا بیروت را اشغال کرده پس چرا این وضعیت پیش آمده که همه ناراضی و جوان‌ها منفعل و همگی گرفتارند؟ آیا جز این است که در واقع اوضاع را به ضرر خود می‌بینند؟

به هر حال، وقتی برای یهودی‌ها و صهیونیست‌ها قطعی می‌شود که نیروهای نظامی و تهاجم فیزیکی فایده ندارد، چه باید می‌کردند؟

۱. صحیفه/امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۹، ج ۱۶، ص ۳۶۳.

۲. عبدالوهاب المسیری، د/یره/المعارف یهود؛ یهودیت؛ صهیونیسم، ج ۶، ص ۱۱۰.



- تضعیف مردم با مواد مخدر؛
  - ایجاد فشار اقتصادی تا حد قحطی و مرگ فراوان؛
  - ایجاد اندیشه‌های انحرافی چه فلسفی، چه عرفانی، چه شیطانی، چه انواع دیگر؛
  - از بین بردن ایمان و اعتقاد و قدرت روحی مردم؛
  - ترویج پیشگویی‌های آخرالزمانی؛
- این گونه تدبیرها را بعد از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱ ه.ش) در سطح جهان به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

### کمیته ۳۰۰ و مواد مخدر

مرشدان بزرگ آنان (کمیته ۳۰۰) بولورلیتون و آلدوس هاکسلی<sup>۲</sup>، همواره در حال موعظه درباره محاسن مواد مخدر به عنوان یک اکسیر مفید می‌باشند... از نظر گاه مقامات بلند پایه کمیته ۳۰۰ مواد مخدر دارای هدف‌های دو جانبه است: نخست ایجاد درآمد افسانه‌ای؛ و دوم تبدیل بخش بزرگی از جمعیت به افراد لاشعوری که سلطه بر آنان، از دیگر بخش‌های غیر معتاد آسان تر بوده و هر گاه بخواهند در مقام عصیان بر آیند، به عنوان تنبیه، از تأمین هروئین، کوکائین، ماری جوانا و سایر مخدرات مورد نیازشان خودداری می‌شود. از همین روست که قانونی کردن مواد مخدر به گونه یک «نظام انحصاری»... همواره در دستور کار بوده است... در یکی از گزارش‌های بسیار محرمانه مؤسسه سلطنتی روابط بین‌المللی، بخشی از سناریو به ترتیب زیر تنظیم شده است: با شکست مسیحیت و افزایش تعداد بیکاران که هر روز رو در روی خود داریم، آنان که پنج سال یا بیشتر بیکار مانده‌اند به تدریج از کلیسا بریده و برای فرار از مصائب به سوی مواد مخدر روی می‌آورند. این، زمانی است که باید تجارت مواد مخدر نظم کامل یافته و دولت‌های تمام کشورهای که در قلمرو و اقتدار ما قرار دارند، با داشتن یک نظام انحصاری و از طریق در دست داشتن اهرم تأمین مواد مخدر، مهار آن را در اختیار بگیرند. پایگاه‌های توزیع مواد مخدر می‌توانند نارضایی‌ها

۱. جان کولمن، کمیته ۳۰۰؛ کانون توطئه‌های جهانی، ترجمه یحیی شمس، فاخته، ۱۳۷۳، ص ۱۶۸-۱۶۶. این کتاب نوشته یک مأمور اطلاعاتی کار کشته و باسابقه است و مطالب خواندنی بسیاری دارد.

۲. راجع به هاکسلی در دایره‌المعارف فارسی مقاله کوتاه اما جالبی وجود دارد.





را جبران کرده و انقلابیون را به معتادان بی‌آزاری که از خود اراده‌ای ندارند، بدل سازد.

دلایل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که سازمان سیا و دستگاه اطلاعاتی بریتانیا به ویژه ام.آی.شش (MI۶) حداقل یک دهه در راه رسیدن به هدف‌های فوق در تلاش بوده‌اند.<sup>۱</sup> مؤسسه سلطنتی امور بین‌المللی، نتایج یک عمر پژوهش‌های آلدوس هاکسلی و بولور لیتون را به عنوان برنامه کار خود مورد استفاده قرار داده است. براساس این برنامه، بشریت باید در شرایط بی‌آزادگی در جهان تک‌حکومتی - نظم نوین جهانی - قرار گرفته و با سرعت به سوی عصر تاریک نوین سوق داده شود. اجازه دهید باز هم دیدگاه مرشد اعظم، آلدوس هاکسلی را در این زمینه به گونه‌ای کوتاه، مرور کنیم: در بسیاری از جوامع و در سطوح گوناگون تمدن، برای پیوند دادن نشئه حاصل از مواد مخدر به آرامش خاطر ناشی از باورهای خدایی، تلاش‌هایی به عمل آمده است. به طور نمونه در یونان کهن، الکل اتیلیک در نهادهای دینی جای ویژه خود را داشته است؛ آن‌چه در تصور آدمی آن روز دیونیسوس باکوس نامیده می‌شد، یک بهشت واقعی به شمار می‌آمد...<sup>۲</sup>

### شیطان پرستی و شیطان بزرگ

در سال ۱۹۸۱ یک نوازنده درام (طبل) به نام لارس ال ریچ با انتشار آگهی، فراخوان تشکیل گروه هوی‌متال را اعلام کرد و پس از مدتی موفق به جذب افراد مختلفی شد. فعالیت‌های این گروه‌ها مانند دیگر گروه‌های هوی‌متال به صورت غیرقانونی و زیرزمینی و در باطن با حمایت سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا (انجام می‌شد)... روند و روالی که موسیقی متالیکا... طی کرده بسیار قابل توجه است... برایان هاگ وارنر، نام اصلی فردی است که امروز به نام مرلین

۱. تألیف کتاب در سال ۱۹۹۲ است؛ یک دهه قبل از آن می‌شود ۱۹۸۲ (۱۳۶۱). نقش تولید انبوه تریاک در افغانستان هم که بر کسی پوشیده نیست.

۲. در اساطیر یونان باکوس خدای شراب است و فرهنگ دیونیزوسی یعنی فرهنگ خوش بودن و لذت بردن و غرایز را اشباع کردن؛ همان که در غرب به شکلی وسیع تبلیغ می‌شود و در ایران، محمدعلی فروغی با انتخاب جهت‌دار رباعیات خیام در صدد ترویج آن بود.

در اختیار گرفتن خرمشهر در ابتدای جنگ برای بعثی‌ها و غربی‌ها به معنی قطع رشته حیات مادی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بود و باز پس گرفتن آن در میان ناباوری و استعجاب آن‌ها، بدان معنی بود که انقلاب اسلامی با زور تهاجم نظامی شکست نمی‌خورد؛ چراکه استحکاماتی که برای حفظ خرمشهر تدارک دیده بودند، خارج از حد و اندازه‌های معمول آن جنگ بود

منسون (MM) شهرت یافته است. او اکنون علاوه بر هواداران چندین هزاری نفری در اقصی نقاط جهان، به عنوان «شیطان بزرگ» شناخته شده و مورد پرستش قرار می‌گیرد...

مصادیق جرایم باندی یا سازمانی، بمب‌گذاری، اقدام برای ترور، قاچاق مواد مخدر به ویژه مواد مخدر شیمیایی،

راه‌اندازی مراکز فساد و... است که طبق تحقیقات به عمل آمده، شیطان پرستان با تمامی جرایم یادشده ارتباط دارند... شیطان پرستان در چهار کشور آنگلو ساکسون (امریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا)، یونان و رژیم صهیونیستی، تشکیلات سازمانی، اماکن مقدس (!) و... دارند. ...اغلب جوانانی که به شیطان پرستان می‌پیوندند... از اعضای مطرود خانواده به شمار می‌روند... و زمینه جرایمی هم چون سرقت را برای تأمین مالی دارند... تأکید می‌شود که هرگونه دامن زدن به فساد از باورهای شیطان‌گرایان است و سرقت نیز عاملی است برای نزدیکی به شیطان...<sup>۱</sup>

ایضاً تجاوز جنسی، قتل، جاسوسی، رفتارهای ضداجتماعی و انجام هر کاری که عموماً زشت و خیانت‌تلقی می‌شود.

## نظام واحد اقتصادی

«گروه دیچلی در ماه مه ۱۹۸۲ در پارک دیچلی لندن»<sup>۲</sup> تشکیل و برنامه‌ای دقیق و عظیم درست کرد که همه بانک‌های دنیای سرمایه‌داری زیر نظر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در آید.

۱. ویژه‌نامه جام جم، «کژراهه»؛ اسفند ۱۳۸۶، «شیطان پرستی»، ص ۲۷-۲۲.

۲. جان کولمن، همان، ص ۲۴۷.



برنامه دیجلی برای تسلط بر سیاست‌های مالی و پولی ایالات متحده از آفرینش‌های سرهارولد لور بود که خود یکی از پشتیبانان جدی صهیونیسم و از افراد مورد اعتماد خانواده سلطنتی بریتانیا و کمیته ۳۰۰ به شمار می‌رود. سرهارولد لور، مدیریت مؤسسه عظیم یونی لور را بر عهده داشت که از شرکت‌های بسیار با اهمیت کمیته ۳۰۰ تلقی می‌شد. طرح لور به منظور گسترش نفوذ صندوق بین‌المللی پول تنظیم شده تا در نهایت، بانک‌های مرکزی همه کشورها از جمله ایالات متحده را زیر سلطه خود قرار داده و آنان را به سوی بانک جهان تک‌حکومتی براند. این گام با اهمیت، صندوق بین‌المللی پول را در موضع ابرمختار نظام بانکی جهانی قرار داد. جلسه فوق‌محرمانه ماه ژانویه، با پیش‌جلسه‌ای در ماه اکتبر ۱۹۸۲ آغاز گردید. در این جلسه، نمایندگان متجاوز از ۳۶ بانک بزرگ جهانی در ویستانیویورک شرکت کردند... سرهارولد لور خطاب به جلسه گفت: لازم است قبل از سال ۲۰۰۲ به چتر حاکمیت ملی پایان داده شود...<sup>۳</sup>

- در هشتم ژانویه سال ۱۹۸۳... هانس ووگل یکی از رهبران باشگاه رم در کاخ سفید حضور یافت. رئیس جمهور ریگان، برای استماع سخنان ووگل، از جرج شولتر، کاسپار واین برگر، جرج کنان و لین کرک‌لند دعوت به عمل آورده بود... از همان روز، رئیس‌جمهور ریگان همکاری تنگاتنگی را با سازمان‌های گوناگون کمیته ۳۰۰ در جهت گسترش نفوذ صندوق بین‌المللی پول و بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی... آغاز نمود...<sup>۴</sup>

## کنترل جمعیت

نویسنده کتاب کمیته ۳۰۰ با اشاره‌ای به اچ. جی. ولز و همانندی اندیشه او با کتاب ۱۹۸۴ نوشته جرج اورول می‌نویسد:

۱. اکتبر ۱۹۸۲ یعنی مهرماه ۱۳۶۱.
۲. سال ۲۰۰۰ شروع قضایایی مثل ۱۱ سپتامبر و بحث تروریسم و حمله به سودان، عراق و افغانستان و از بین بردن حاکمیت ملی کشورهای اسلامی است.
۳. جان کولمن، همان، ص ۲۴۸.
۴. همان، ص ۲۴۹.



استقرار حکومت واحد جهانی و یک نظام پولی واحد، زیر سلطه دایمی کسانی خواهد بود که به شیوه انتصابی و سلسله مقامات وراثتی و اعمال روش خودانتخابی، مانند دوران قرون وسطی، متکی به نظام زمین‌سالاری هستند. در این موجودیت جهانی، جمعیت از طریق محدودیت تعداد فرزندان خانواده، بیماری‌ها، جنگ‌ها، و گرسنگی‌ها، تا حد یک میلیارد نفر کاهش داده خواهد شد. وجود همین یک میلیارد هم تنها در مناطقی کاملاً تعریف شده و صرفاً برای انجام خدمات مورد نیاز طبقه حاکم تحمل پذیر است.<sup>۱</sup>

تا سال ۲۰۵۰ حداقل باید چهار میلیارد نفر از جمعیت مصرف‌کنندگان بی‌مصرف، از طریق جنگ‌ها، سازمان دادن بیماری‌های واگیرزودکشنده و گرسنگی از میان برداشته شوند... این تحلیل جمعیت تا زمانی ادامه می‌یابد که جمعیت به یک میلیارد برسد که پانصد میلیون نفر آن را نژاد چینی و ژاپنی تشکیل می‌دهند. نژاد چینی و ژاپنی از آن جهت انتخاب شده‌اند که قرن‌هاست به فرمانبرداری بدون پرسش عادت داده شده‌اند.<sup>۲</sup>

در صفحات قبل و بعد از این جملات، سازمان‌ها و گروه‌های متشکل برنامه‌ریزان این اهداف و شیوه‌های رسیدن به آن و ابعاد و اجزای این جریان نام برده شده و توضیح داده شده است که سخت خواندنی است.

### تدارک جنگ بزرگ<sup>۳</sup>

یکی از فصول کتاب «برافروختن آتش یک جنگ مقدس»<sup>۴</sup> است که در آن توضیح می‌دهد که یکی از مهم‌ترین راه‌ها برای راه انداختن این جنگ، انفجار مسجدالاقصی است؛ نویسنده می‌گوید:

یک یهودی مهاجر اسکاتلندی به نام آشر اس. کافمن ادعا می‌کند که دلایل مثبتی در دست است که آن دو معبد یهودی، در محل کنونی قبه‌الصخره نبوده، بلکه در جنوب آن قرار داشته است. کافمن... مقاله

۱. همان، ص ۱۸۵.

۲. همان، ص ۱۸۸.

۳. گریس هال سل، تدارک جنگ بزرگ، ترجمه خسرو اسدی، رسا، ۱۳۷۷.

۴. همان، ص ۱۸۹-۱۵۵.



مفصلی در شماره مارس - آوریل ۱۹۸۳ مجله باستان‌شناسی انجیلی نوشته و در آن اظهار کرده است که تحقیق او - که پولش را دولت اسرائیل پرداخته - هرگونه تعبیر دیگر را منتفی می‌سازد. من برای تجزیه و تحلیل مقاله کافمن با باستان‌شناسی امریکایی، جیمس ای. جنینگز... گفت‌وگو کردم. جنینگز کارهای باستان‌شناس میدانی گسترده‌ای در مصر، اردن، فلسطین، کرده است...<sup>۱</sup> دکتر جنینگز با این جمله سخنش را پایان داد: فراموش نکنید که بعضی از متعصب‌ترین این رهبران که نقشه خراب کردن مسجد را در سر می‌پروراند، نه یهودی مذهبی، بلکه صهیونیست‌های جنگ‌جو هستند. ممکن است آن‌ها به خدا هم اعتقاد نداشته باشند. اما برای هدف‌های ملی‌گرایانه و سیاسی، یک معبد می‌خواهند. تازه، این هم نیست که خود معبد را بخواهند بلکه می‌خواهند وجود و حضور این مسجد را نفی کنند. این‌ها به عنوان صهیونیست‌های دو آتشفشان می‌خواهند زیارتگاه‌های اسلامی را از میان بردارند. این‌ها اعتقاد دارند که هر صهیونیست خوبی باید این کار را بکند.

در سال ۱۹۷۹<sup>۲</sup> بود که نخستین بار از مهاجران یهودی شنیدم که آشکارا درباره خراب کردن قبه الصخره و مسجدالاقصی بحث می‌کنند...<sup>۳</sup> توجه شود که وهابی‌ها هم با زیارتگاه‌های شیعه مخالفاند و آن‌ها را تخریب می‌کنند و در سال ۱۳۶۶ هم آن کشتار جنایتکارانه را در حرم امن مکه به راه انداختند. درست به همان‌گونه که صهیونیست‌های مسیحی به یهودیان اروپایی اصرار می‌ورزیدند که به فلسطین بروند و هر اندازه می‌توانند زمین تصاحب کنند، امروز هم صهیونیست‌های مسیحی مانند جری فال ول به یهودیان اصرار می‌کنند که از فلسطین فراتر بروند و ادعای مالکیت همه سرزمین‌های عربی را که از رودخانه فرات در مشرق تا رودخانه نیل در مغرب کشیده شده‌اند، بکنند.

فال ول در ۶ فوریه ۱۹۸۳ به تایلر خبرنگار نشریه تگزاسی تایمز تلگرام گفت: او موافق آن است که اسرائیلی‌ها، بخش‌هایی از عراق، سوریه، ترکیه، عربستان سعودی، مصر، سودان و همه لبنان و کشور

۱. همان، ص ۱۷۰.

۲. سال پیروزی انقلاب اسلامی.

۳. همان، ص ۱۷۲.

اردن و کویت را تصاحب کنند تا رسیدن به همه مرزهای فلسطین زیر قیمومیت؛ همه این سرزمین‌ها متعلق به اسرائیل است. خداوند امریکا را برکت داده است زیرا ما در حمایت از آن چه که نزد خداوند عزیز است (یعنی اسرائیل) با خداوند همکاری کرده‌ایم.<sup>۱</sup> و<sup>۲</sup>

کریگر بنیادگرای هوادار تبلیغ انجیل «در رساله‌ای تحلیلی که برای رهبران اسرائیل و رهبران یهودیان امریکا تهیه کرده، فهرست ۲۵۰ سازمان هوادار تبلیغ انجیل هواخواه اسرائیل را... ارائه داده. کریگر اعلام می‌کند که بسیاری از این سازمان‌ها طی پنج سال... در دهه هشتاد به وجود آمده‌اند...»<sup>۳</sup>

\*\*\*

ترویج اندیشه بنیادگرایی انجیلی و صهیونیسم مسیحی، علاوه بر تبلیغات فراوان و کمک تبلیغاتی‌های حرفه‌ای، قدرتی دولتی نیز نیاز داشت که دنباله این تبلیغات را عملاً به اجرا درآورد. در امریکا این نیاز را باید یک رئیس‌جمهور بنیادگرای مسیحی صهیونی به انجام می‌رساند و شکل دولتی و رسمی به آن می‌داد. طبعاً این چنین رئیس‌جمهوری، باید حمایت‌های اقتصادی فراوان نیز در پس پشت می‌داشت. همه این عوامل برای رونالد ریگان فراهم شد.

## ریگان و اورشلیم جدید

«در دهه ۱۹۸۰ گروه کوچکی از بانکداران و سرمایه‌گذاران یهودی، از متحدان مهم دولت ریگان و به نمایندگان کلیدی آن در برنامه‌های اقتصادی و مالی تبدیل می‌شوند.»<sup>۴</sup> توجه شود که اولاً رونالد ریگان، هنر پیشه سینما بود و لذا تحت تعلیم و وابستگی صهیونیست‌های صاحب اختیار فیلم و سینما در امریکا و هالیوود قرار داشت. ثانیاً او پروتستان متعصب نومحافظه‌کاری بود معتقد به جنگ آخرالزمان آرماگدون که از ساخته‌های صهیونیست‌ها برای تهیه مقدمات سلطه کامل در خاورمیانه بود. ثالثاً در انواع فیلم‌های هالیوودی هم، تخصص ریگان، بازی در فیلم‌های وسترن بود که خود، شبیه‌سازی وضع امریکا با فلسطین بود تا به بیننده امریکایی تلقین کند

۱. گریس هال سل، همان، ص ۲۲۶.

۲. درباره احوالات جری فال ول رک: سیدهاشم میرلوحی، *یوسرا بیبل صهیوناکراسی، ایالات متحده اسرائیل و سلطه صهیونیسم بر مردم*، دفتر نشر معارف وابسته به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

۳. گریس هال سل، ص ۲۸۳.

۴. مایکل کالینز پایپر، *اورشلیم جدید، قدرت صهیونیست‌ها در امریکا*، ترجمه اسماعیل اسفندیار، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات/وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲.



واین برگر، وزیر جنگ امریکا در زمان ریاست جمهوری رونالد ریگان است. او یک یهودی است و یک بار گفت: «ریشه ملت ایران را باید سوزاند.» توجه شود که «ریشه ملت ایران» نه دولت ایران؛ و ریشه را سوزاندن یعنی از بیخ و بن کردن و از بین بردن

که سازندگان اولیه امریکا، خانواده‌هایی بودند که می‌خواستند امریکا را آباد کنند ولی دزدها و هفت تیر کش‌ها و سرخپوست‌های بومی، وحشی و خونخوار نمی‌گذاشتند؛ همان گرفتاری که یهودی‌های صهیونیست هنگام ورود به فلسطین با آن مواجه بودند.

کارتر که نتوانسته بود جلوی انقلاب اسلامی ایران را بگیرد و حتی گرفتار داستان جاسوس‌ها و مأموران امریکایی هم شده بود، حالا نوبت ریگان بود

تا کارها را روبه‌راه کند؛ با کمک‌های نقدی و اهرم‌های اقتصادی.

یهودیان بر گسترش نقدینگی - پول و اعتبار - نظارت داشتند که به رونق اقتصادی و گسترش ارزش‌های برابر در دوره ریگان دامن زد. دولت ریگان با ستایش مزیت‌های رقابت آزاد تجاری و سرمایه‌گذاری بی‌قید و شرط بر سر کار آمد و قول داده بود از طریق کاهش مالیات‌ها، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و محدود کردن مقررات پیچیده تجارت، رفاه ملی را دوباره به کشور بازگرداند. سرمایه‌گذاری یهودی در کمک به دولت برای تحقق وعده‌هایش نقش مهمی داشت. در عوض دولت برای مدتی، از این سرمایه‌گذاری در برابر حمله دشمنان سیاسی و تجاری آنها حمایت کرد.<sup>۱</sup>

سرمایه‌گذاران و بانکداران یهودی، در کسب و کار داغ و پر مخاطره وال استریت دهه ۱۹۸۰، نقش اصلی و شاید مسلط را بازی کردند. در دهه ۱۹۸۰، در «جشن غارتگران»! - آن طور که در یک گزارش مطبوعاتی - پژوهشی از این معامله آمده است - یهودیان حضور کامل داشتند...<sup>۲</sup>

در سال ۱۹۸۲، نخستین سالی که فوربز ۴۰۰ منتشر شد، مجله فوربز صورت چهارصد نفر از ثرومندترین‌ها را منتشر کرد - ۱۰۵ نفر از ۴۰۰ نفر (۲۶ درصد آنها) یهودی بودند. در سال ۱۹۸۳ هنگامی که رونق ناگهانی

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۵۷.



بازار سهام، تعدادی از تازه‌واردها را به این فهرست پرتاب کرد، شماره یهودی‌ها به ۹۸ نفر (۲۵ درصد) و در سال ۱۹۸۴ به ۹۳ نفر (۲۳ درصد) کاهش یافت.<sup>۱</sup>

فعالیت‌های سرمایه‌گذاران یهودی به خصوص نقش آنها در موج تصاحب سهام شرکت‌ها که بین سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ صورت گرفت... انتقادهای شدیدی را برانگیخت.<sup>۲</sup>

جمعیت یهودیان، هم در لس‌آنجلس بزرگ و هم در کالیفرنیا، که در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به بیش از دو برابر رسید، همچنان از نظر قدرت و اندازه رشد می‌کند و یهودیان قسمت‌های دیگر ایالات متحده و نیز یهودیان ایرانی، اسرائیلی و روسی<sup>۳</sup> را به سوی خود جذب می‌کند. تا سال ۱۹۹۰ به جمعیت لس‌آنجلس... بیش از ۱۵۰ هزار نفر افزوده شد و به حدود ۶۰۰ هزار نفر رسید...<sup>۴</sup>

بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ با وجود افزایش ازدواج‌های فامیلی و کاهش میزان تولد، جمعیت رسمی یهودیان امریکا ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافت. این رشد ناچیز جمعیت تا حدی به دلیل مهاجرت‌های گسترده آوارگان یهودی ایران و آفریقای جنوبی است. با این همه مهمترین عامل در این میان، مهاجرت یهودیان از اتحاد جماهیر شوروی است که بالغ بر ۲۵۰ هزار نفر است؛ چنانچه از سال ۱۹۹۱، ۱۰۰ هزار نفر دیگر نیز ویزا گرفته و منتظر نوبت ورود به امریکا هستند.<sup>۵</sup>

در مقایسه، شمار کل مهاجرت یهودی‌ها از امریکا به اسرائیل در طول چهار دهه پس از سال ۱۹۴۸، از ۶۰ هزار نفر بیشتر نیست و این تعداد، نصف شمار اسرائیلی‌هایی است که بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۷ تقاضای قانون مهاجرت رسمی به امریکا داشته‌اند.<sup>۶</sup>

در فهرست ۴۰۰ نفری ثروتمندان مجله فوربز اگر «بر مبنای درصد آن‌ها از جمعیت سراسری حساب کنیم تعداد یهودی‌ها می‌بایست ۱۲ نفر باشد... که کمتر از ۳ درصد

۱. همان، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۴۴.

۳. در ایران انقلاب اسلامی و سپس جنگ هشت‌ساله موجب کوچ یهودی‌ها شد و در اسرائیل ترس از ادامه بحران خاورمیانه، روسیه هم در سال‌های ۱۹۹۰ از هم پاشید.

۴. همان، ص ۱۴۵.

۵. همان، ص ۱۴۶.

۶. همان، ص ۱۴۸.

مردم امریکا را تشکیل می‌دهند (ولی) بیش از یک چهارم ثروتمندترین امریکایی‌ها هستند... در مقابل، گروه‌های قومی که تعدادشان بیش از یهودیان بود (ایتالیایی‌ها، اسپانیولی‌ها، سیاه‌پوستان و اروپای مشرقی‌ها)<sup>۱</sup> نمایندگان کمتری در فهرست داشتند. هر چه میزان دارایی‌ها بالاتر می‌رود تعداد یهودی‌ها بیشتر می‌شود. بیش از ۳۰ درصد میلیارد درهای امریکا، یهودی بودند... حتی این امکان هست که مجله فوربز، تعداد یهودیان فوق پولدار امریکا را کمتر حساب کرده باشد زیرا بسیاری از آنها در معامله‌های املاک ثروتمند شده‌اند؛ یعنی حوزه‌ای که تخمین درآمد در آن، از دیگر حوزه‌ها دشوارتر و پنهان کردن ثروت آسان‌تر است. جاکوب‌ای. ریس در کتاب نیمه دیگر چگونه زندگی می‌کند (۱۸۹۰) نوشته است: یهودی‌ها به محض اینکه پول کافی برای بیعانه پس‌انداز کنند به سمت معامله‌های ملکی می‌دوند تا قرارداد ببندند.<sup>۲</sup>

در بحران اخیر اقتصادی غرب که از امریکا هم شروع شد، اولاً بانک‌های یهودی سرسلسله شروع بحران بودند؛ ثانیاً بحران به خاطر گروگان گرفتن خانه‌ها و املاک مردم بود؛ ثالثاً با کمک دولت‌ها، بانک‌ها خسارت و رشکستگی گرفتند ولی مردم خانه‌شان را از دست دادند؛ رابعاً مردم می‌گفتند ما ۹۹ درصدیم و به آن یک درصد اعتراض داریم؛ آن هم در وال استریت مرکز یهودی‌ها و خامساً از سال‌ها قبل این بحران را متخصصین پیش‌بینی می‌کردند. معلوم می‌شود این جریان، یک طرفش برنامه‌ریزی یهودی‌ها برای تصاحب خانه‌ها و املاک مردم بوده است تا آن‌چه در ایران و خاورمیانه از دست دادند در آنجا جبران کنند.

در فهرست فوربز ۴۰۰ در سال ۱۹۹۹، ۲۳ درصد افراد، یهودی بودند و از آن میان ۲۰ درصدشان ثروت خود را در معامله‌های املاک کسب کرده بودند...<sup>۳</sup> سپس عده‌ای از آنها را با ذکر اسم و رقم اعلام شده ثروتشان نقل می‌کند.

محتوای فیلم‌های هالیوود و تلویزیون‌های حمایت‌شده از سوی یهودیان در دهه ۱۹۸۰ تفاوت عمده‌ای با بافت برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی داشت که یهودیان متنفذ نسل قبل در عرصه فیلم و رادیو تلویزیون ترویج می‌کردند. آن زمان محدودیت‌های اخلاقی ناشی از جریان اصلی فرهنگ پروتستان در عمل کنار گذاشته می‌شد. آن‌ها با تقاضای بازار هماهنگ شده بودند و در فیلم‌ها و تلویزیون، خشونت

۱. از مسلمانان که اساساً هیچ اسمی نیست.

۲. همان، ص ۱۵۳-۱۵۲.

۳. همان، ص ۱۵۴.

و سکس مرتب به تصویر کشیده می‌شد. اکنون بیشتر تاجران یهودی برنامه‌ساز، تحصیلات بسیار بهتری نسبت به پیشینیان خود دارند اما تولیداتی که عرضه می‌کنند معمولاً از نظر محتوا زنده‌تر است؛ هر چند با عالی‌ترین مهارت فنی قابل تصور ارائه می‌شود.<sup>۱</sup>

یهودیان در مدیریت اخبار تلویزیون نیز پیروز هستند... بیشتر تمرکز یهودیان در سطح تهیه‌کنندگی است و این تهیه‌کنندگان هستند که تصمیم می‌گیرند چه خبرهایی، به چه مدتی و به چه ترتیبی پخش شود. در ۱۹۸۲ پیش از تغییر وظایف، تهیه‌کنندگان اجرایی هر سه برنامه خبری عصرگاهی و همچنین تهیه‌کنندگان اجرایی برنامه شصت دقیقه‌ای CBS و ABC ۲۰/۲۰ یهودی بودند...<sup>۲</sup>

### پیشگویی‌های نوستراداموس

میشل دونوتردام معروف به نوستراداموس متولد ۱۵۰۳ و متوفی ۱۵۶۶ عالم احکام نجوم و طبیب فرانسوی که به علت کتابش به نام قرن‌ها - که در سال ۱۵۵۵ منتشر شد - در پیشگویی معروف بود. دادگاه پاپ، کتاب را در سال ۱۷۸۱ محکوم کرد.<sup>۳</sup>

نوستراداموس... چگونگی مرگ هانری دوم پادشاه فرانسه را به درستی پیشگویی کرد. مورد عنایت کاترین دومدچی قرار گرفت و پزشک مخصوص شارل نهم شد.<sup>۴</sup>

در سال ۱۵۶۴ نوستراداموس، برای شارل نهم عمری نود ساله پیشگویی کرد که ده سال بعد در سن ۲۴ سالگی زندگی را بدرود گفت! وی پس از مرگ خود (۱۵۶۶) کتابی از غیب‌گویی‌ها به یادگار گذاشت که چنان ماهرانه در لفاف ابهام پیچیده شده بود که هر سطر آن می‌توانست تقریباً بر هر واقعه‌ای از تاریخ آینده تطبیق کند.<sup>۵</sup>

عبدالوهاب المسیری، مفصل‌تر درباره نوستراداموس می‌نویسد:<sup>۶</sup>  
...او در پروانس فرانسه در یک خانواده یهودی تبار به دنیا آمد... در

۱. همان، ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. دایره‌المعارف فارسی، همان، ص ۳۰۸۰.

۴. فرهنگ معین، اعلام، امیرکبیر، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۲۱۱۹.

۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۰۱۴-۱۰۱۳.

۶. عبدالوهاب المسیری، همان، ج ۵، ص ۲۰۶.





دانشگاه مونپلیه پزشکی خواند... پس از موفقیت در درمان بسیاری از بیماری‌ها به ویژه طاعون، با استفاده از روش‌های پیشرفته و غیرسنتی، شهرت خوبی یافت... سال‌های ۱۵۳۸ تا ۱۵۴۷ پیوسته در حال جابه‌جایی و مهاجرت بود. گفته می‌شود وی در ایتالیا با یهودیان قبالبایی ملاقات کرد و سپس به فرانسه بازگشت و تمام توجه خود را به جادوگری، ستاره‌شناسی و جهان‌نیروهای مخفی معطوف ساخت. نوستراداموس در زمینه نجوم چند کتاب به رشته تحریر درآورد که مهم‌ترین آن‌ها پیش‌بینی‌هایش بود که در سال ۱۵۵۵ چاپ و منتشر کرد. این کتاب در بردارنده ۳۵۰ رباعی به زبان فرانسوی و با شیوه‌ای مبهم و پیچیده بود... این اثر پس از تحقق یافتن یکی از پیش‌بینی‌ها یعنی کشته شدن هنری دوم پادشاه فرانسه در حادثه‌ای در ۱۵۵۹ مورد توجه قرار گرفت. از آن پس اهتمام گسترده‌ای برای رمزگشایی از پیش‌بینی‌های نوستراداموس و تفسیر آن‌ها به عمل آمد... برخی پیش‌بینی‌های آن جامه عمل پوشیده است که به عنوان مثال می‌توان به دو انقلاب انگلیس و فرانسه، به قدرت رسیدن و سرنگونی ناپلئون، موفقیت انسان در پرواز، کناره‌گیری ادوارد هشتم از قدرت در انگلیس، به قدرت رسیدن یک رهبر آلمانی به نام هیتلر و خونریزی‌های بسیار وی در اروپا اشاره کرد. با این همه، هیچ‌کس در مورد پیش‌بینی‌های تحقق نیافته و نسبت تعداد آن‌ها با شمار کل پیش‌بینی‌ها تحقیقی انجام نداده است.

همه می‌دانند که بسیاری از یهودی‌ها، تحت تأثیر قبالبایی حلول‌گرا به سمت جادوگری و ستاره‌شناسی گرایش پیدا کردند. در واقع از نظر اندیشه‌های حلول‌گرا، هدف از وجود انسان برقراری توازن میان ذات و طبیعت نیست بلکه در واقع، هدف، حاکمیت یافتن بر هستی، از راه شناخت خداوند حلول کرده در ماده و تاریخ است.<sup>۱</sup> قبالا بر اندیشه دینی

۱. حلول‌گرایی در اندیشه قبالبایی به این معنی است که یهودی‌ها که خود را قوم برگزیده خدایشان بیهوه می‌دانند، بیهوه را هم خدای برگزیده قوم یهود دانسته و لذا مدعی هستند که این جریان دوسویه منجر به یکی شدن خدا و قوم یهود می‌شود. آن‌ها یک معادله برقرار می‌کنند که در آن خدای بیهوه و قوم یهود در هم حلول کرده و با طبیعت و ماده و حقیقت یکی شده‌اند و لذا یهودی قبالبایی در واقع، خود خداست و شیطان هم تحت سلطه اوست و جادوگری هم معجزه او و حکم او هم حکم خداست.



یهود، به ویژه در منطقه‌ای همچون پروانس - که در نزدیکی اسپانیا، مرکز قبالا، واقع شده - تسلط کامل داشت... هم‌زمان با شدت گرفتن بحران یهودیت حاخامی، بحث و جست‌وجو برای یافتن راه حل جادویی افزایش یافت. چنین راه حلی، به جای هم‌خوانی با ذات طبیعت، به حاکمیت کامل امپریالیستی بر آن‌ها می‌انجامد. این رویکرد تا دوران معاصر ادامه یافت و برای همین، دیده می‌شود که شمار یهودیان در گروه‌هایی که به راه حل‌های جادویی اعتقاد دارند و می‌خواهند مشکلات را یکباره و ناگهانی حل کنند، چشمگیر بوده است...<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۸۲ با فتح خرمشهر، همین حالت بحران در یهودیت ایجاد شد و با همان سابقه، باز هم متوسل به نوستراداموس شدند. کتاب پیشگویی‌های نوستراداموس در آمریکا و انگلیس هم‌زمان منتشر شد و یک فیلم پر جاذبه هم با شرکت اورسن ولز - که شخصیتی تأثیرگذار در این‌گونه فیلم‌های گزارشی و تخیلی بود - ساخته شد و به شکلی وسیع در دنیا پخش گردید تا با زبانی شبه‌مذهبی، در مقابل پیروزی انقلاب اسلامی عرض اندام کند. در این فیلم، با بیان شرح حال نوستراداموس و با رباعیات و پیشگویی‌های او و ذکر چند نمونه، ابتدا بیننده را کاملاً تحت تأثیر قرار داده که روایت را باور کند و سپس می‌گوید که نوستراداموس انقلاب اسلامی و ظهور یک مرد روحانی (امام خمینی) را پیش‌بینی کرده و حتی به دنبال آن، قیام «پادشاه عرب» (امام زمان عج) از مکه راهم گفته که چگونه او، با کمک دشمن شمالی (یعنی روسیه) و با کمک سلاح آتشین غیرعادی، یعنی بمب اتمی، شهر جدید (نیویورک) را مورد حمله قرار می‌دهد و جنگی عظیم در می‌گیرد که چند سال طول کشیده ولی عاقبت آزادی و دموکراسی غربی پیروز می‌شود.<sup>۲</sup>

این فیلم به دلیل فضای آماده جهانی و ساخت هنرمندانه و غیرعادی بودن آن و البته به علت تبلیغات عظیم، بسیار مورد استقبال قرار گرفت و بلافاصله هم با سلسله فیلم‌های «مشیحانی» و آخرالزمانی و توضیح و تشریح و تصویر دنیای آینده دنبال شد که ده‌ها فیلم سینمایی پرخرج و پرهزینه و سرگرم‌کردن میلیون‌ها نفر در سراسر جهان و به

۱. عبدالوهاب المسیری، ج ۵، ۲۱۵-۱۷۴. این صفحات به توضیح قبالا اختصاص یافته است.

۲. گفتنی است که رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا از حزب جمهوری‌خواه در مارس ۱۹۸۳ طرح دفاع استراتژیک سپر موشکی را اعلام کرد که کاملاً شبیه صحنه جنگ موشکی در فیلم پیشگویی‌هایی نوستراداموس بود. ظاهراً همین طرح مانع رشد تحقیقات موشکی شوروی شد.



## کابالا

به نظر می‌رسد تشویش و التهاب یهودی‌ها از خطر اسلام و لزوم مقابله با اندیشه و ایمان اسلامی، آن قدر عمیق بوده است که آن‌ها را وادار به همه‌گونه تلاش و کوشش نموده است.

قبالا یا کابالا که قاعدتاً مخصوص یهودی‌هاست، اما در سال‌های اخیر در بخشی از زوایا و قسمت‌ها به شکلی وسیع در دنیا مطرح شده است که ظاهراً دو هدف از آن مقصود بوده است:

۱. اول راضی کردن یهودی‌ها که اندیشه و ایمان یهودی و نژاد این قوم چنان است که بر همه مشکلات و خطرات پیروز خواهد شد و آینده از آن بهبود است؛
۲. قانع کردن غیر یهودی‌ها که قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین فکر و اندیشه و ایمان و تدبیر، از آن بهبود است و اگر یهود پیروز شود، همه نجات می‌یابند و اگر کسی در مقابل آن‌ها مقاومت کند، گرفتار هزاران بدبختی خواهد شد.

۱. در این زمینه تقریباً عموم منتقدان سینما به فراوانی کار کرده‌اند که البته عموماً شنیدنی است اما کار تخصصی وارزشمند دکتر مجید شاه‌حسینی در این زمینه بسیار قابل استفاده است.  
 ۲. افرایم سولا، *خدا، حافظ/اسرائیل*، ترجمه فرامرز فرامرزی، آرمان، ۱۳۵۷.  
 ۳. همان، ص ۱۱۹.

شکلی رندانه در اختیار گرفتن دنیای آینده را در دست یهودی‌ها و امریکا القامی نمود.<sup>۱</sup> طنز عجیب این پیشگویی‌ها این که در کتاب *خدا، حافظ/اسرائیل*<sup>۲</sup> که نوشته یک یهودی ناراضی شوروی است به نام افرایم سولا، یادی هم از نوستراداموس می‌کند که خبر نابودی اسرائیل را داده است!

کتاب *خدا، حافظ/اسرائیل* چند ماهی قبل از پیروزی انقلاب منتشر شد و تألیف آن چند سال قبل تر بوده است. نویسنده کتاب از شوروی به اسرائیل کوچ کرده و پس از چندی از آن جا هم به امریکا رفته و در این کتاب دلایلی آورده که به نظر او اسرائیل به زودی نابود می‌شود. او می‌نویسد:

اسرائیل محکوم به نابودی است و بعید به نظر می‌رسد تا ده سال دیگر دوام بیاورد و من اعتقاد دارم که در سال ۱۹۸۵، دیگر کشوری به نام اسرائیل وجود نخواهد داشت.

در پیش‌بینی‌های نوستراداموس آمده است که اسرائیل در دهه ۱۹۹۰ از بین می‌رود.<sup>۳</sup>

جالب این که در همان  
تابستان ۱۳۵۷ بگین  
گفته بود زلزله‌ای در  
ایران رخ داده است  
که همه ما را به شدت  
خواهد تکاند

با این دو هدف در ده، پانزده سال اخیر حجم مطالب درباره کابالا و شاخه‌های آن مثل فراماسونری، جادوگری، بهائیت، وهابیت، شیطان پرستی، اباحی‌گری و لذت‌طلبی و آزادی بی‌حد و حصر و... و همه این‌ها در قالب و زبان ماورایی و بالاتر از اندیشه و تفکر بشری و بلکه دینی، اعتقادی و عرفانی، در سطحی وسیع تبلیغ شد.

یک مقاله خواندنی در این زمینه نوشته یک خاخام یهودی امریکایی-اسرائیلی است به نام آریل بارصادوک با نام «کابالا، ماسون‌ها و امریکا»<sup>۱</sup> که در آن کوشیده است با تقسیم کابالا به سه قسم متفاوت، نوع کابالای یهودی را عرفانی و انسانی توصیف کرده و دامن صهیونیسم و یهود را از شیطان پرستی، فساد و کثافت‌کاری‌های کابالیستی پاک کند و از سوی دیگر فراماسونری را منبعث از کابالا دانسته و آن را مسلط بر امریکا جلوه دهد. اما از همه این‌ها مهم‌تر آن که این خاخام یهودی امریکایی در سال ۱۹۸۲ از امریکا راهی اسرائیل شده و در قدس ساکن گشته است؛ که طبعاً نشان از نوعی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری دارد.

اکنون به سراغ «اندیشه‌های انسانی و شبه‌عرفانی» ماسونی و کابالایی برویم با یک نمونه واضح از آن.

## پائولو کوئلیو

پائولو کوئلیو در سال ۱۹۴۷ در ریودو ژانیروی برزیل متولد شد. ابتدا به نمایش‌نامه‌نویسی، کارگردانی تئاتر، هیپی‌گری و ترانه‌سرایی برای موسیقی مردمی برزیل مشغول شد<sup>۲</sup> و بعد به روزنامه‌نگاری روی آورد... در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) مسیر زیارتی باستانی اسپانیا جاده سانتیاگو را پیاده پیمود. این تجربه را در کتاب *خاطرات یک مَغ شرح داد* که در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) منتشر شد. سال بعد با کتاب *دومش کیمیاگر* به یکی از پرخواننده‌ترین نویسندگان معاصر تبدیل شد... کتاب *کیمیاگر* یکی از ده کتاب پرفروش جهان در سال ۱۹۹۸ بوده است... کیمیاگر توسط دانشگاه شیکاگو به عنوان کتاب درسی توصیه می‌شود و آن را

۱. «کابالا، ماسون‌ها و امریکا»، ترجمه محمد کاظم احمدی، نسیم قدس (ویژه‌نامه نوروز)، ۱۳۹۰، ص ۶۵-۵۶.  
۲. مبتلا به اعتیاد به مواد مخدر در حد حاد آن بود.



در دستیابی به بصیرت شخصی، بسیار مفید دانسته‌اند... آثار او در بیش از ۱۲۰ کشور منتشر و به ۴۶ زبان ترجمه شده و بیش از ۲۷ میلیون نسخه به فروش رفته... منتقدان، سبک شاعرانه، واقع‌گرا و فلسفی او را می‌ستایند و زبان نمادینی را که نه با مغزهای ما که با قلب‌ها مان سخن می‌گوید، تحسین می‌کنند... کوئلیو مشاور ویژه‌نامه یونسکو «همگرایی‌های روحی و گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها» است.<sup>۱</sup>

مترجم برخی آثار کوئلیو در ایران و ناشر اختصاصی آن شخصی است به نام آرش حجازی که در جریان فتنه ۱۳۸۸ در کنار جسد تیرخورده ندا آقاسلطان بود و بلافاصله هم به خارج گریخت و در بی‌بی‌سی و مصاحبه و علیه ایران فعالیت می‌کرد. در مورد شرح حال بالا چند نکته قابل توجه است:

۱. زندگی کوئلیو عیناً مدلی است که گوته در *دکتر فاولست* ارائه می‌دهد (اگرچه نه با آن شکوه) یعنی مدل روشنفکری ضد دین اما با ارائه قیافه‌ای «لطیف، عاشقانه و انسانی».  
 ۲. این که یک «بزهکار» تبدیل به یک «قدیس» شود یک سابقه ادبی بسیار معروف و قوی دارد و آن هم بینوایان و ویکتور هوگوست<sup>۲</sup> که در فیلم‌ها و رمان‌های بسیاری به طور مستمر تکرار شده است؛ به طوری که به عنوان یک فرمول و قاعده درآمده و برای درست کردن مزدور مطمئن فداکار، از میان جانیان و خاطیان، بزهکاران و معتادان، افرادی را انتخاب کرده و با مهربانی از گرفتاری نجاتشان می‌دهند تا او برای همیشه همه هستی خودش را فدای ناجی خود کند. کتاب و فیلم *رمزد/وینچی* یک نمونه از این نوع است و فیلم «روح سگ» نمونه‌ای دیگر؛ و فیلم‌ها و رمان‌های بسیاری در این زمینه ساخته شده است.

۳. با وجود شهرت عالم‌گیر کوئلیو، منتقدان برزیلی به شدت با او مخالفند و او را کم‌سواد، بی‌هنر و بی‌ارزش می‌دانند؛ و یک روزنامه‌نگار کلمبیایی او را به سرقت یکی از نوشته‌های خود متهم کرده است.<sup>۳</sup>

۴. شهرت‌های سریع و زودگذر مانند اجناس بازاری است که در اثر تبلیغات ناگهانی مشهور می‌شوند و سریع هم فروش می‌کنند. هری پاتر، فیلم‌های بسیار مشهور،

۱. پائولو کوئلیو، مکتوب، ترجمه آرش حجازی، ۱۳۸۱، ص ۷-۹. در کتاب *زهیراز همین نویسنده*، مترجم و ناشر، مفصل‌تر توضیحاتی داده شده است.

۲. توجه شود که ویکتور هوگو خود فراماسون و فراماسون زاده است. رک: *فر/ماسونری*، ژاک شابو، امیر کبیر، ۱۳۸۶.

۳. *جام جم*، ۸۴/۴/۷، صفحه آخر.



به نظر می‌رسد تشویش و التهاب یهودی‌ها از خطر اسلام و لزوم مقابله با اندیشه و ایمان اسلامی، آن‌قدر عمیق بوده است که آن‌ها را وادار به همه‌گونه تلاش و کوشش نموده است

رمان‌های پرآوازه، همه از این دست هستند؛ کارهای کوئلیو هم چنین است. ناگهان مشهور شد و ناگهان فروکش کرد.

۵. جالب این‌که اولین کار او کتاب *خاطرات یک مغ* است؛ در سال ۱۹۸۷ یعنی با مستمسک قرار دادن مغ (روحانی زرتشتی ایرانی) و ۵ سال پس از سال پر ماجرای ۱۹۸۲. گویی دستگاه غرب یک استعداد را یافته و او را تربیت کرده است برای نویسندگان و حرف‌های انسانی - ماسونی - کابالایی زدن به‌ویژه برای ایرانیان.

۶. اما به جای همه این حرف‌ها ببینیم کتاب *برطبقه* درباره کوئلیو چه می‌گوید:

### کوئلیو، عضوی از ابرطبقه جهانی

کتاب *برطبقه*<sup>۱</sup> در همان اوایل، وصفی هم از دیدار نویسنده با پائولو کوئلیو دارد و او را عضوی از ابرطبقه جهانی - که تعدادشان حدوداً ۶۰۰۰ نفر است - می‌داند.

در اوایل کتاب کم و بیش یادی از کوئلیو شده با تعبیراتی از این نوع:

نویسنده برزیلی کتاب *کیمیاگر*. بیش از یکصد میلیون نسخه از کتاب کوئلیو در سراسر جهان به فروش رسیده و بعد از ج.ک. رولینگ، نویسنده *هری پاتر*، دومین نویسنده پر فروش روی زمین است. او از شخصیت‌های معدود فرهنگی است که معمولاً در داووس شرکت می‌کند. و نیز از معدود کسانی است که روح متفاوتی در داووس دمیده‌اند...<sup>۲</sup>

مردی ریزنقش با کلاهی از خز... بارش بزی روبه سفیدی. گویا پس از مدت‌ها، پسر عمومی خود را دیده باشد، با من سلام و احوالپرسی می‌کرد... اسطوره عرصه ادب...<sup>۳</sup>

من و کوئلیو هیچ‌گاه همدیگر را ندیده بودیم، اما به لطف شگفتی عصر اطلاعات... گفت و گویمان بی تکلف و کم‌وبیش زنده و صمیمی...<sup>۴</sup>

۱. دیوید راتکاف، *برطبقه؛ نخبگان قدرت جهانی و جهانی که می‌سازند*، ترجمه احمد عزیزی، کوپر، ۱۳۸۹، از پاورقی صفحه ۳۱۳ معلوم می‌شود نویسنده یهودی است.

۲. همان، ص ۲۲.

۳. همان، ص ۲۲.

۴. همان، ص ۲۴، این اشاره به ریش بزی و پسر عمومی و گفت و گوی صمیمی و زنده، قاعده نشان می‌دهد که یهودی‌الصل است. این تعبیرها، بیان رمزی این واقعیت است.





کوئلیو، ترانه سرای پیشین آهنگ سازان مشهور برزیلی، و نیز یک هیپی پیشین، از بسیاری جهات، انسان متفاوتی با دیگران است. بسیار خودمانی و بی ریا... این هیپی که در ده اجلاس گذشته داووس شرکت داشته... این روایت پرداز مشهور... شروع به توصیف داووس کرد: افسانه داووس این است که قصد این آدم‌ها در این جا تقسیم کیک و گرفتن سهمشان از آن است؛ من، اما این گونه فکر نمی‌کنم. به باور من، امروز، بیش از هر زمانی، وجود دو لایه متفاوت در داووس آشکار است. بعد اول تجاری... اما بعد دومی نیز در این جا وجود دارد که بخش بزرگ‌تر و بعد انسانی آن است... آری ما، نشست‌نخبگانی را داریم اما نه فقط برای ساماندهی جهان که دیداری با خودمان!<sup>۱</sup>

کوئلیو در ابراز این نظر محتاط به نظر می‌رسید. شاید این احتیاط ناشی از عضویتش در چند هیئت و کمیته مرتبط با نشست بود؛ یا قصد کم‌رنگ ساختن انتقادات علیه جهانی شدن و نیز نظریات مدافع نظریه‌های توطئه را داشت. در نگاه او، به عنوان شرکت‌کننده همیشگی داووس، در آن جا نظامی جز پیوندهای فردی، حاکم نیست. او و رای پوسته نظام‌ها، جهان را با همه مناسبات عادی و معمولی آن می‌دید. مثالی از دیدارش با بیل کلینتون در آخرین سال ریاست جمهوری او...<sup>۲</sup> کلینتون به محض ورود به سالن پرسیده بود: کدامیک از شما پائولو کوئلیو هستید؟<sup>۳</sup> برای بسیاری، چون کوئلیو، اساس نظم، ایمان به خداوند و تقدیر الهی است...<sup>۴</sup>

در پایان دیدار با کوئلیو، رئیس جمهور برزیل وارد شد و به گرمی با مشهورترین نویسنده کشورش، خوش و بش کرد...<sup>۵</sup> نویسنده، درباره رئیس جمهور برزیل نوشته بود: «...لویی ایناسیو لولا داسیلوا، رئیس جمهور برزیل... که بیش از چهار کلاس درس نخوانده بود...»<sup>۶</sup>

۱. همان، ص ۴۳-۴۲. این جمله هم دوپهلو است. هم دیدار با خودمان که از یک قبیله ایم؛ و هم دیدار هر کدامان با خود، که در شرایط امروز جهان گیر افتاده‌ایم.

۲. همان، ص ۴۳.

۳. همان، ص ۴۴.

۴. همان، ص ۴۶.

۵. همان، ص ۴۷.

۶. همان، ص ۴۰.



کتاب/برطبقه در فصل ۸ توضیحی دارد درباره تئوری توطئه و رد آن و مواردی را درباره یهودی‌ها و فراماسون‌ها ذکر می‌کند که شبیه نظریات کوئلیو است. یک‌جا می‌نویسد: فراماسونری گرچه دین به حساب نمی‌آید اما اعضای خود را به ادای سوگند بیعت با ذات ربوبی به هر نوعی که بخواهند ملزم ساخته و آموزه‌ها و اصول کتاب مقدس در فلسفه دینی آن جایگاه کانونی دارند...<sup>۱</sup> در اینکه فراماسون‌ها و کوئلیو چقدر به ذات ربوبی اعتقاد دارند و اساساً تعریفشان از خدا و تقدیر الهی چیست، باید به نقد مطلب ماسونی رجوع کرد. اما درباره پیامی که کوئلیو در کتابهایش خصوصاً برای خوانندگان جوان ارائه می‌کند باید به چند نکته توجه نمود:

۱. کوئلیو مکرر در کتابهایش می‌گوید: به قلبت رجوع کن و هر چه را که دلت می‌گوید گوش بده. این سخن برای کسانی که فرهنگی دینی دارند و قلب را مرکز خدا و لطف و صفا می‌دانند، دلنشین و آرامش‌بخش است. ولی برای آنها که اعتقادی به خدا، ماوراءالطبیعه و معاد ندارند، این جمله چه معنایی می‌دهد؟ غیر از آزادی کامل و دلخواه و رهایی از هر قاعده و ملاحظه؟ از قضا، دقیقاً همین معنا مورد نظر است؛ همان معنایی که در کتاب دکتر *فاوست* گوته به‌عنوان خط مشی و الگوی فراماسونری و بلکه روشنفکری و دنیای جدید ترسیم شده است. همان معنایی که از آزادی در غرب مستفاد می‌شود: من آزادم هر کاری می‌خواهم بکنم تا جایی که به آزادی دیگران لطمه نخورد. این شرط اخیر برای حفظ جامعه از تضاد و درگیری است و الا فقط قیود مذهبی، اخلاقی و سنتی است که در واقع در مقابل این آزادی قرار دارد. لذا آزادی جنسی، هم‌جنس‌بازی، مواد مخدر، لذت‌جویی و... اوج‌اعلای آزادی است<sup>۲</sup> و تعرض به این آزادی‌هاست که فریاد سازمان‌های حقوق بشری را درمی‌آورد. وصفی که از جلسه‌ها و محافل این «آزادی پرستان» می‌دهند، از رقص‌ها و آوازها و جیغ‌ها و خون‌خوردن‌ها و اعمال و رفتار عجیب و غریب و غیره، همگی بیان و ارائه همین آزادی است. همین آزادی است؛ که اول بار در مقابل حضرت آدم و حوا بیان شد که برای معارضه با قید و بند شجره ممنوعه، اتفاقاً باید به آنها نزدیک شد و آن قیود را شکست.

لذا شیطان پرستی ساحت کامل این آزادی است؛ و رجوع به قلب و دل و آرزو و خواست و شهوت، یعنی آزادی کامل در نهایت عیش و لذت. فلسفه‌ای که کابالا برای جوامع

۱. همان، ص ۳۱۶.

۲. کتاب زهیر، سراسر تبلیغ این معنی است.

بشری ارائه می کند همین است و آنچه کوئلیو همسانان او هم ترویج و تبلیغ و تلقین می کنند همین است.

## دین جهانی جدید

حجت الاسلام حمیدرضا مظاهری سیف در مصاحبه‌ای با روزنامه/یران<sup>۱</sup> مطالبی درباره یک دین جهانی جدید گفت که با هدایت امریکا و صهیونیست‌ها و منابع مالی آنها، چندی است شکل گرفته و ظاهراً اولین قدم آن در ۱۱ تا ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۳ در امریکا برداشته شده است. او می گوید:

در دسامبر ۲۰۰۹ (آذر سال ۸۸) همایش بزرگی با عنوان «پارلمان ادیان جهان» در شهر ملبورن استرالیا برگزار شد. در این اجلاس ۱۰۰ نفر از رهبران ادیان گوناگون شرکت کردند و درباره مسائل و بحران‌های جهانی به گفت‌وگو نشستند؛ ضمن اینکه تصمیم گرفتند ۲۲۰۰ نفر از نمایندگان خود را برای جذب مردم و تبلیغ به سراسر دنیا بفرستند. این اجلاس نخستین بار نبود که پیروان ادیان گوناگون را گرد هم می آورد بلکه پنجمین نشست جهانی ادیان بود که هر پنج سال یکبار با حمایت مالی استکبار جهانی و صهیونیسم برگزار می شد. البته یکی از حامیان مالی اجلاس ملبورن سفارت اسراییل در استرالیا بود. گفتنی است از یازدهم تا بیست و هفتم سپتامبر سال ۱۹۸۳ نمایندگان از سنت‌های شرقی و غربی جهان در شیکاگو گرد هم آمدند... در این دین جهانی تلاش می شود مهر و محبت، منهای فکر و تفکر ترویج یابد. ژاک لانتیه که به مطالعه ادیان بدوی آفریقا پرداخت و... هانری کربن که به مطالعه درباره ایران پرداخته... میرچا الیاده که ضمن تحقیق درباره عرفان و معنویت اسلامی و جادوگری و آداب آن... (مطالعه و تحقیق کردند)...

یعنی افراد و گروه‌های متفاوت در سراسر جهان و هر کدام از زاویه‌ای و از جنبه‌ای، کوشیده‌اند تا خطر اسلام و تفکر و اعتقاد دینی اسلامی را رفع کنند و چنانکه پیداست ریشه همه آنها و مرکزیت تمامشان هم، یهودی‌ها هستند.

۱/یران، ۲۰/۸/۱۳۹۱، ص ۲۶.

## جدا کردن کودکان از خانواده

جیمز شیور و ویلیام استرانگ نویسندگان کتابی که در سال ۱۹۸۲ درباره ارزش‌ها در امریکا منتشر شد، از معلمان مدارس دولتی به طور خاص می‌خواهند ارزش‌ها را به کودکان، «تحمیل» کنند یا به آنان بگویند که باید چه عقیده‌ای داشته باشند، مقابله کنند... ساموئل بلومنفلد نیز... هشدار می‌دهد که حقیقت آشکار این است که کلاس‌های درسی امریکا به محلی برای جنگ روانی شدید ضد همه ارزش‌های سنتی تبدیل شده است.<sup>۱</sup>

در همین سال ۱۹۸۲ و با همین هدف که جوان‌های امریکایی تحت تأثیر تلقینات سنتی و خانواده نباشند ماتیو لیپمن<sup>۲</sup> استاد و مدرس فلسفه پیشنهاد کرد که باید از کودکی و در کودستان و دبستان به بچه‌ها فلسفه و روش منطقی فکر کردن را آموخت. گروهی در ایران بلافاصله این حرف را گرفته و با جاروجنجال و سروصدا «آموختن فلسفه به کودکان» را تبلیغ کردند.

نشریه کتاب هفته، هفته‌نامه وزارت ارشاد، اخیراً گزارشی از چاپ چند کتاب تازه در این زمینه ارائه کرد و یادی از دست‌اندرکاران این جریان نمود که: «به گفته سعید ناجی، هدف فیک (فلسفه برای کودکان) آموزش تفکر از دوران کودکی و ارائه برنامه‌هایی است که بر اساس نظریات جدید شکل گرفته‌اند.»<sup>۳</sup> اما او نگفت که این نظریات جدید چه هستند و رابطه‌شان با فلسفه و دین چیست.

قبلاً ماتیو لیپمن تذکر داده بود که جوان‌های امریکا فکر نمی‌کنند و بعضی چیزها را بی‌دلیل می‌پذیرند. گفتنی است که آن چیزها عموماً لزوم دین و اخلاق خانوادگی برای فرد بوده است؛ و لذا لیپمن توصیه می‌کرد که باید به بچه‌ها از کودکی، از دبستان و بلکه از مهد کودک، شیوه آزاد فکر کردن را آموخت؛ یعنی فلسفه برای کودکان. اما نکته‌ای که اینها توجه نداشتند آن بود که این تدابیر در جامعه اسلامی به درد کار آنها نمی‌خورد. خصوصاً جامعه شیعی که همه آموزه‌های دینی را با استدلال و برهان می‌آموزاند و اصول دین باید برای مسلمان بالغ صرفاً با عقل و استدلال و بدون تقلید و تعبد آموخته شود. لذا مقام معظم رهبری، یکبار این اندیشه را - که خوبست بچه‌ها با منطق و استدلال و

۱. ویلیام گاردنر، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴-۱۴۳.

۲. خانواده لیپمن، یهودی هستند.

۳. کتاب هفته، ۱۳۹۱/۸/۶، ص ۶، ستون اول.



افراد و گروه‌های متفاوت در سراسر جهان و هر کدام از زاویه‌ای و از جنبه‌ای، کوشیده‌اند تا خطر اسلام و تفکر و اعتقاد دینی اسلامی را رفع کنند و چنانکه پیداست ریشه همه آنها و مرکزیت تمامشان هم، یهودی‌ها هستند

فلسفه آشنا شوند- تأیید کرده و فرمودند: «فلسفه، شکل دادن فکر است... ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است. این از اول باید به وجود بیاید... کودک (باید) از اول عادت کند به فکر کردن و خردورزی.

نکته بعدی، خودباوری است... اعتماد به نفس...<sup>۱</sup> در اسلام، اساس کار تبلیغ و تربیت، استدلال و منطق است؛ آنچنان که روح آن هم عرفان والای الهی است. لذا تبلیغات غرب در زمینه عرفان و انسان و فلسفه و علم، در مقابل اسلام، هیچ رنگ و بویی ندارد. آن‌ها به سرعت فهمیدند که باید به سراغ شیطان و شیطان پرستی و گروه‌های شیطانی و فساد بروند که از فلسفه و عرفان، به نفع آن‌ها کاری بر نمی‌آید.

\*\*\*

در مجموع چنانکه ملاحظه شد، در سه دهه اخیر، کار ضد فرهنگی غرب و صهیونیسم، بعد از فتح خرمشهر، کاری بسیار عظیم و همه‌جانبه بوده است. اما برخلاف تصور ما که فرهنگ را فقط در دانشگاه و آموزش و پرورش و ارشاد و تلویزیون خلاصه می‌کنیم، آن‌ها از همه شیوه‌های سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای اهداف فرهنگی خود استفاده می‌کنند. مقام معظم رهبری بیش از بیست سال است که درباره تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی هشدار می‌دهند؛ و ما تاریخ یهودی - ماسونی غرب را نشناسیم و این دشمن غدار را با همه اجزاء، ابعاد و اهدافش تجزیه و تحلیل نکرده باشیم، به طور مداوم مورد تهاجم او خواهیم بود؛ به‌ویژه که همه ما آدم‌ها یک یهودی هم در درون خود داریم: نفس اماره؛ که به دنبال فرصت طلبی، اختلاس، سوءاستفاده، تنبلی، لذت پرستی، ظلم و زور و حقه‌بازی هم است؛ و وای اگر تا این قدر در درون جبهه خودی، عوامل دشمن نفوذ کرده باشد. و لذا هشدار و هشدار و هشدار؛ و تقوی و تقوی و تقوی.

۱. سخنان مقام معظم رهبری در خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۰.